

درس سوم زبان انگلیسی

پایه دوازدهم

"جهت مطالعه در تعطیلات کرونایی و نوروزی"

تألیف و گردآوری:

جمال احمدی

دبیر دبیرستانهای شهرستان بوکان

موبایل: ۰۹۱۴۱۸۰۰۳۱۰

اسفند ۹۸

Lesson Three:

Renewable Energy

لغات مهم درس سوم پایه دوازدهم (Lesson 3) Key Words of Vision 3

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
absence	غیبت - فقدان	collection	مجموعه
absorb	جذب کردن	collective	انبوه
action	کردار، عمل، اقدام	collector	(مولد برق) - گردآور
air conditioner	دستگاه تهویه هوا	come from sth	سرچشمه گرفتن
anger	خشم	come up with sth	به (جواب) رسیدن
angry	عصبانی	community	جامعه
alternative	جایگزین - چاره	component	بخش - قطعه
apologize	معذرت خواهی کردن	conclude	نتیجه گرفتن - تمام کردن
apology	عذر خواهی	consist of	تشکیل شدن از
apply	درخواست کردن	constantly	پیوسته - دائما
application	تقاضا نامه	consume	مصرف کردن
arrangement	قرار - (جمع) مقدمات	convert	تبدیل کردن
as a result of sth	در نتیجه - به دلیل	cool	خنک - با حال، معرکه، محشر
atmosphere	جو - فضا	cooling	خنک سازی
background	پس زمینه	cooler	خنک کننده
balcony	ایوان - بالکن	cooperate	همکاری کردن
basis	اساس - اصل	cost	هزینه - ارزش
battery	باتری	counterpart	همتا - همکار
benefit	سود - بهره	cross sth out	چیزی را خط زدن
bill	صورتحساب - اسکناس	deal with sth	با ... سروکار داشتن
blow	وزیدن - فوت - دمیدن	delivery	تحویل
broth	آبگوشت	deliver	تحویل دادن
burn	سوزاندن - مصرف کردن	demand	تقاضا - نیاز
character	شخصیت - ماهیت - ویژگی	digest	هضم کردن - فهمیدن
charge	شارژ کردن	disability	معلولیت - نقص
check	بررسی کردن	distance	فاصله - دور
chemical	شیمیایی	document	مدرک - سند
chemistry	شیمی	dread	ترس - بیم
chemist	شیمیدان - دارو ساز	dreadful	ترسناک
clean energy	انرژی پاک	economy	اقتصاد
client	مشتری - موکل	electric	برقی
cloth	پارچه - دستمال	electrical	برقی
coal	زغال سنگ	electricity	برق
collect	جمع آوری کردن	energy	انرژی
collective	مشترک، جمعی، عمومی، اشتراکی	energetic	پر انرژی، فعال
collector	فراهم کننده، جمع کننده	energetically	به طور جدی، از روی حرارت

لغات مهم درس سوم پایه دوازدهم (Lesson 3) Key Words of Vision 3

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
environment	محیط زیست	huge	عظیم - بزرگ
equivalent	برابر	hybrid	دوگانه
fall	افتادن - پایین	hydropower	نیروی برق آبی
fall asleep	به خواب رفتن	inform	اطلاع دادن - با خبر کردن
fan	پنکه - طرفدار	instead of	به جای - در عوض
fantastic	عالی	joint	مفصل - محل اتصال
feather	پر	kinetic	جنبشی
fitness	تناسب اندام	landfill	محل دفن زباله - گورستان زباله
flashlight	چراغ قوه	last	ادامه داشتن
flock	دسته دسته رفتن - جمع شدن	lead	راهنمایی کردن - هدایت کردن
fly	پرواز کردن	leader	رهبر - راهنما
fond	مشتاق	lead to sth	منجر شدن
forever	برای همیشه	light	روشن کردن
formula	فرمول - راه حل	likelihood	احتمال
fossil fuel	سوخت فسیلی	load	بار
fuel	سوخت	machine	دستگاه - ماشین
gadget	وسيله	magic	جادویی - غیر معمولی
garbage	آشغال - زباله	margin	حاشیه - مرز - کناره
gasoline	بنزین	material	ماده - عنصر - جنس
generate	تولید کردن	meaningful	معنادار - مهم
generation	تولید - نسل	mechanical	مکانیکی
give off	رها کردن - منتشر کردن	mouth	دهان
global	جهانی	namely	یعنی - بدین معنی
global warming	گرمایش جهانی	natural	طبیعی
goal	هدف	natural gas	گاز طبیعی
gone	ناپدید - رفته - مرده	nonrenewable	تجدید ناپذیر
gradually	به تدریج - کم کم	nuclear	هسته ای - اتمی
harm	آسیب زدن - ضرر	obey	اطاعت کردن - پیروی کردن
harmful	مضر	obedient	مطیع
hatch	از تخم بیرون آمدن	oil	نفت - روغن
heart	مرکز - قلب	opposite	برعکس
heat	حرارت - گرما	other than	به جز
herd	گروه - دسته - گله	organic	طبیعی
hold	نگه داشتن، برگزار کردن	organize	سازماندهی کردن - مرتب کردن
holder	نگهدارنده، گره، گیرنده	organized	سازمان یافته، آرایش داده شده
hole	چاله، سوراخ، گودال	organization	سازمان، نهاد

لغات مهم درس سوم پایه دوازدهم (Lesson 3) Key Words of Vision 3

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
outlet	پریز (برق)	run	دویدن - اداره کردن - جریان داشتن
overcome	غلبه کردن - چیره شدن	running water	آب جاری - آب تصفیه شده
panel	تابلو - صفحه	save	ذخیره کردن
perfect	کامل - بی نقص	select	انتخاب کردن
place	قرار دادن - مکان	separate	جدا - مجزا
plug (sth) in	به برق وصل کردن	shiny	براق - درخشان
pollute	آلوده کردن	sight	دید - قدرت بصری - چشم
pollution	آلودگی	sign	تابلو - علامت، نشانه، امضاء کردن
polluted	آلوده	solar	خورشیدی
portable	قابل حمل	solar panel	صفحه خورشیدی
power	نیرو، برق - قدرت	source	منبع
practical	عملی - مفید	space	فضا - فاصله
principal	مدی ر - اصلی	space station	ایستگاه فضایی
principle	قانون - اصل	spoil	خراب کردن - لوس کردن
process	فرآیند - جریان	stable	اصطبل، طویله - استوار، ثابت
produce	تولید کردن	store	ذخیره کردن - مغازه
product	محصول	stove	اجاق گاز
proverb	ضرب المثل	string	رشته
radiation	اشعه - تابش	string light bulb	لامپ رشته ای
reach	رسیدن	structure	ساختار - ترکیب
reduce	کم کردن، پائین آوردن	succeed	موفق شدن
remind	یادآوری کردن	successful	موفق
remote	دور - پرت، دور افتاده	success	موفقیت
renewable	تجدید پذیر	sunlight	نور خورشید
repeat	تکرار کردن	sunshine	نور خورشید
replace	جایگزین کردن	supply	فراهم کردن
require	نیاز داشتن - ملزم بودن	supporting	قانع کننده - مکمل
resource	منبع - ذخیره	take a note	نکته برداری کردن
result	نتیجه - حاصل	take in	جذب کردن - به داخل کشیدن
review	مرور کردن	tide	جزر و مد - موج
revolve	چرخیدن - دور زدن	time	زمان - بار - دفعه
rise	افزایش - طرقي - طلوع	tower	برج
roll	چرخاندن	track	مسیر، راه، راه آهن، رد پا، اثر
roof	طاق - سقف	track and field	ورزش دو میدانی
roof beam	تیر سقف	truck	کامیون
roofless	بی سقف	try	امتحان کردن

Conversation (Lesson 3 - Vision 3)

Emad and his father are traveling to Guilan. On the way, in Manjeel, Emad sees huge wind turbines.
عماد و پدرش در حال سفر به گیلان هستند. در طی مسیر، در منجیل، عماد توربین بادی بزرگی را دید.

Emad: Daddy, look at those big fans!

عماد: پدر، به آن پنکه های بزرگ نگاه کن.

Father: They are actually wind turbines.

پدر: در واقع آن ها توربین های بادی هستند.

Emad: Wind turbines?

عماد: توربین های بادی؟

Father: Yes, wind turbines are used to produce electricity from wind power.

پدر: بله، توربین های بادی برای تولید برق از قدرت باد استفاده میشوند.

Emad: I know electricity can be produced from water and sunlight. How might it be generated from wind?

عماد: من میدانم که نیروی برق می تواند از نور خورشید و آب تولید شود. اما چگونه ممکن است از باد تولید شود؟

Father: Well, a wind turbine works the opposite of a fan. Instead of using electricity to make wind, a turbine uses wind to make electricity. It is a type of clean energy.

پدر: خوب، یک توربین بادی بر خلاف یک پنکه عمل میکند. به جای استفاده از برق برای تولید باد، توربین از باد برای تولید برق استفاده میکند. این یک نوع انرژی پاک است.

Emad: These wind turbines remind me of what I read about using wind power in Yazd's buildings.

عماد: این توربین های بادی، چیزی را که درباره ی استفاده از قدرت باد در ساختمان های یزد خوانده بودم را به خاطر می آورد.

Father: You mean wind towers?

پدر: منظور تو برج های بادی است؟

Emad: Yes, they are natural air-cooling systems and can be used instead of electrical air conditioners. This is another source of clean energy, isn't it?

عماد: بله، آنها یک سیستم های خنک کننده طبیعی هوا هستند و می توانند به جای تهویه های هوا برقی استفاده شوند. این نوع دیگری از انرژی پاک است، اینطور نیست؟

Father: Yes, it is. An excellent type of clean energy!

پدر: بله، اینطور است. یک نوع عالی از انرژی پاک.

Emad: Daddy, can we travel to Yazd this Norooz?

عماد: پدر، ما می توانیم این نوروز به یزد سفر کنیم؟

Father: That's OK with me. Let's check it with others.

پدر: من مشکلی ندارم. بیا با بقیه هماهنگ کنیم.

Reading (Lesson 3 - Vision3)

Earth for our Children زمین برای بچه هایمان

Energy is the ability to do work. It can take a variety of forms: mechanical, electrical, chemical, and nuclear. To produce any type of energy, the resources of the earth are used. The main resources of the earth are fossil fuels such as natural gas, oil, and coal.

انرژی توانایی برای انجام کار است. میتواند در شکل های متفاوتی وجود داشته باشد: مکانیکی، الکتریکی، شیمیایی و هسته ای. برای تولید هر نوع از انرژی، منابع زمینی استفاده میشوند. منابع اصلی زمین سوخت های فسیلی هستند از قبیل گاز طبیعی، نفت و زغال سنگ.

We get most of our energy from these fossil fuels, but this is harmful to the environment. Fossil fuels are nonrenewable and cannot be replaced easily. Once we use them up, they're gone forever. They are not clean as they pollute water or air.

ما بیشتر انرژییمان را از این سوخت های فسیلی میگیریم، اما این برای محیط زیست مضر است. سوخت های فسیلی تجدید ناپذیر هستند و به راحتی نمیتوان آن ها را جایگزین کرد. اگر یک بار از آن ها استفاده کنیم آن ها برای همیشه از بین میروند. آنها پاکیزه نیستند چونکه آب و هوا را آلوده میکنند.

In recent years, scientists try to use other types of energy resources. They call them clean energy resources because they do not pollute the earth. Clean energy is renewable. It is made from resources that can be replaced, like wind, water, sunshine, tides, and plants. When renewable energy resources are used, the demand for fossil fuels is reduced.

در سال های اخیر، دانشمندان سعی میکنند از منابع دیگر انرژی استفاده کنند. آنها، آن ها را منابع انرژی پاک نامیده اند برای اینکه آن ها زمین را آلوده نمی کنند. انرژی پاک تجدید پذیر است. این از منابعی تشکیل شده است که میتواند جایگزین شود، مانند باد، آب، نور خورشید، جزر و مد، و گیاهان. هنگامی که منابع انرژی تجدید پذیر استفاده می شوند، نیاز برای سوخت های فسیلی کاهش پیدا می کند.

The most common type of clean energy is the solar power. Solar energy is produced by the radiation that reaches the earth. People have used the sun as a heat source for thousands of years. Iranians, for instance, use special designs and arrangements of windows, balconies and yards to get the most sunshine. Different types of materials might also be used in building the houses. This keeps people warm during cold seasons and cool during hot days of the year.

رایج ترین نوع انرژی پاک انرژی خورشیدی است. انرژی خورشیدی از تابش هایی که به زمین میرسد تولید میشود. مردم سال ها است که از خورشید به عنوان منبع گرمایشی استفاده کرده اند. ایرانی ها از سال های دور از چیدمان و طراحی های خاص برای پنجره ها، بالکن ها و حیاط ها استفاده میکردند برای اینکه بیشترین تابش خورشید را جذب کنند. انواع متفاوتی از مواد هم ممکن است برای ساختن ساختمان ها استفاده شوند. این مردم را در طول فصل های سرد، گرم و در طی فصل های گرم سال، خنک نگه میدارد.

Nowadays, solar energy can be converted into other forms of energy, such as heat and electricity. Solar energy might be used for heating water and air in homes, buildings, or swimming pools. Maybe you've seen buildings or houses with big shiny panels on the roof. These are solar collectors that collect heat by absorbing sunlight and producing solar power. Also, solar energy

Workbook (lesson 3 - Vision 3)

Many countries now think that cars that burn fossil fuels should be replaced by electric cars. Electric cars don't burn gasoline in the engine, so they don't pollute the air. They use electricity stored on the car in batteries.

امروزه بسیاری از کشورها بر این باور هستند که ماشین های برقی باید جایگزین ماشین های شونند که سوخت فسیلی مصرف میکنند. ماشین های برقی گازوئیل را در موتور نمی سوزانند، بنابراین آن ها هوا را آلوده نمیکند. آن ها از برقی استفاده میکنند که در باطری های بالای ماشین ذخیره شده اند.

Sometimes, 12 or 24 batteries, or more, are needed to power the car. Just like a remote-controlled car, an electric car has an electric motor that turns the wheels and a battery to run the motor.

گاهی اوقات ۱۲ یا ۲۴ باطری برای قدرت ماشین لازم است. دقیقا مانند یک ماشین کنترل از راه دور ، ماشین برقی یک موتور برقی دارد که چرخ ها را میچرخاند و یک باطری که موتور را به جریان در می آورد.

Electricity, the same energy that lights your lamps and runs your TV, is stored in batteries on an electric car. The batteries can be like the batteries you find in flashlights or in regular gasoline cars.

برق ، همان انرژی که لامپ هایتان را روشن میکند و تلویزیونتان را روشن میکند، در باطری ها در یک ماشین برقی ذخیره شده اند. باطری ها میتوانند مشابه باطری هایی باشند که شما در چراغ قوه ها یا ماشین های گازوئیلی معمول میبینید.

To get the battery ready to roll, you have to charge it. This process isn't much different from the way you charge the portable devices you carry around every day: your cell phone, MP3 player, or digital camera. The difference is that you deal with a much bigger gadget that carries you around instead.

برای اینکه باطری آماده کار شود باید آن را شارژ کنید. این پروسه چندان با روشی که هر روزه وسایل قابل حملی که استفاده میکنید را شارژ میکنید، متفاوت نیست: گوشی موبایلتان، پخش کننده موسیقی و دوربین دیجیتالی. تفاوت این است که شما با یک وسیله ی مکانیکی بزرگتر در ارتباط هستید که شما را به اطراف حمل میکند.

The electric car is usually plugged in at night. The car can be plugged into a special charging unit even at houses. Some electric cars can be plugged right into a regular electrical wall outlet. Others need a larger outlet, like the kind that a stove or a vacuum cleaner plug into.

ماشین برقی معمولاً در شب به برق وصل میشود. ماشین حتی میتواند به یک واحد شارژی مخصوص در خانه ها وصل شود. بعضی از ماشین های برقی میتوانند به پریز های برق معمولی روی دیوار وصل شوند. آن های دیگر به یک پریز بزرگتر نیاز دارند مانند آن هایی که گاز یا جارو برقی به آن ها وصل میشوند.

The engineers are trying to make better batteries that hold more energy and last longer. To overcome the problem of charging electric cars, hybrid cars are also available. Hybrid cars combine the benefits of gasoline engines and electric motors. They can be designed to meet different goals, such as better fuel economy or more power.

مهندسان دارند تلاش میکنند که باطری های بهتری را تولید کنند که انرژی بیشتری را در خود ذخیره کنند و بیشتر دوام داشته باشند. برای غلبه بر مشکل شارژ کردن ماشین های برقی، ماشین های هیبریدی نیز موجود هستند. ماشین های هیبریدی مزیت های موتور های گازوئیلی و موتور های برقی را با هم ترکیب کرده اند. آن ها میتوانند برای هدف های متفاوتی از قبیل اقتصاد سوختی بهتر و قدرت بیشتر، طراحی شوند.

گرامر درس سوم: زمان گذشته کامل (ماضی بعید)

برای اشاره به عملی که در گذشته قبل از عمل دیگری انجام گرفته باشد. از زمان گذشته کامل یا ماضی بعید (Past Perfect Tense) استفاده میکنیم.

به این مثال دقت کنید: "وقتی من به خانه رسیدم برادرم رفته بود." بخش دوم این جمله یعنی "برادرم رفته بود" نشان دهنده گذشته کامل است. چون قبل از اینکه گوینده به خانه برسد، انجام شده بود. معادل فارسی این زمان در زبان فارسی، ماضی بعید است و بصورت (رفته بودم، رفته بودی، رفته بود و ...) ترجمه میشود:

When I arrived home, my brother **had left**.

فرمول جملات مثبت زمان گذشته کامل (ماضی بعید)

فاعل	had	شکل سوم فعل (p.p.)	مفعول	قید حالت	قید مکان	قید زمان
------	------------	--------------------	-------	----------	----------	----------

They **had killed** the man **before** the police arrived.

آنها آن مرد را **کشته بودند** قبل از اینکه پلیس برسد.

همان گونه که از فرمول و مثال دیده میشود، فعل این زمان با استفاده از فعل کمکی had و قسمت سوم فعل (past participle) ساخته می شود. همانند زمان حال کامل (ماضی نقلی)، در این زمان نیز قسمت سوم فعل با استفاده از اضافه کردن -ed یا -d به آخر افعال با قاعده ساخته می شود در حالی که قسمت سوم فعل افعال بی قاعده از قواعد خاصی پیروی نمی کند و میبایستی آنها را حفظ نمود. توجه: مخفف had بصورت (**'d**) نوشته میشوند.

سؤالی و منفی کردن این زمان: برای سؤالی کردن این زمان فعل کمکی had را به قبل از فاعل منتقل کرده و برای منفی کردن این زمان، بعد از فعل کمکی had قید منفی ساز not و یا مخفف آن n't را اضافه میکنیم. جدول زیر سه حالت جملات مثبت، سؤالی و منفی این زمان را نشان می دهد:

<p>جملات مثبت:</p> <p>They had practiced together before they gave the concert.</p> <p>آنها قبل از این که کنسرت را اجرا کنند، با هم تمرین کرده بودند.</p>
<p>جملات منفی:</p> <p>They hadn't practiced together before they gave the concert.</p> <p>آنها قبل از این که کنسرت را اجرا کنند، با هم تمرین نکرده بودند.</p>
<p>جملات سؤالی:</p> <p>Had they practiced together before they gave the concert?</p> <p>آیا آنها قبل از این که کنسرت را اجرا کنند، با هم تمرین کرده بودند؟</p>

مهم ترین کاربردهای زمان گذشته کامل عبارتند از:

کاربرد اول (مهمترین کاربرد): برای بیان عمل یا کاری که در گذشته قبل از عمل دیگری اتفاق افتاده باشد از گذشته کامل (ماضی بعید) استفاده می شود که نیازمند دو عمل است: عملی که در گذشته دورتر انجام شده به شکل گذشته کامل و عملی که بعداً انجام شده به شکل گذشته ساده بیان می شوند.

I **had eaten** my breakfast, **when** my little baby brother **got up**.

هنگامی که برادر کوچکترم از خواب بیدار شد، من صبحانه ام را خورده بودم.

My mother **had gone** shopping **before** she **started** cooking dinner.

قبل از پختن شام مادرم خرید کرده بود.

He **was** very tired because he **hadn't slept** well.

او خیلی خسته بود چون خوب نخوابیده بود.

I **had saved** my documents before the computer **crashed**.

من اسناد خود را ذخیره کرده بودم قبل از اینکه کامپیوتر خراب شود.

When Sarah **arrived**, we **had finished** cooking.

وقتی سارا رسید ما آشپزی را تمام کرده بودیم.

کاربرد دوم: برای بیان عمل یا حالتی که در گذشته شروع شده و تا انجام دادن عملی دیگر در گذشته ادامه داشته است.

My teacher **had lived** in Paris **before** he studied art there.

معلم من قبل از اینکه تحصیل در رشته هنر را در پاریس آغاز کند، آنجا زندگی کرده بود.

By the time his uncle got a very good job, he **had taken** many risks.

تا زمانی که عمویش شغل خوبی بدست آورد، ریسک های زیادی را کرده بود.

کاربرد سوم: برای بیان عمل یا حالتی که در زمان مشخص در گذشته اتفاق افتاده است علاوه بر گذشته ساده از ماضی بعید نیز می

توان استفاده کرد. کلمات ربط **before** و **after** تعیین کننده هستند که کدام عمل ابتدا انجام شده است.

I **sent** an email on October 7th **before** she asked me on October 10th.

قبل از این که او در تاریخ دهم اکتبر درخواست کند، من ایمیل را در تاریخ هفتم اکتبر فرستادم.

I **had sent** an email on October 7th **before** she asked me on October 10th.

قبل از این که او در تاریخ دهم اکتبر درخواست کند، من ایمیل را در تاریخ هفتم اکتبر فرستاده بودم.

He **had never driven** a car **before** he got his driving license.

او قبل از این که گواهی نامه رانندگی بگیرد، رانندگی نکرده بود.

کاربرد چهارم (زبان تخصصی): برای صحبت کردن درباره تجربه هایمان تا زمان حاضر. برای این کاربرد معمولاً از قیده های **ever** و

never استفاده می کنیم. به مثال های زیر توجه کنید:

My eighteenth birthday was the worst day I **had ever had**.

تولد هجده سالگی ام بدترین روزی بود که تا به حال تجربه کرده بودم.

I was pleased to meet George. I **hadn't met** him before, even though I had met his brother several times.

من از دیدن "جرج" خوشحال بودم. قبلاً او را ندیده بودم، اگرچه برادرش را چندین بار دیده بودم.

کاربرد پنجم (زبان تخصصی): برای صحبت کردن درباره اتفاقی که در گذشته افتاده اما تأثیرش بر زمانی در گذشته باقی مانده است و به زمان حال نرسیده است. به مثال‌های زیر توجه کنید:

I couldn't get into the house yesterday. I **had lost** my keys.

من دیروز نمی‌توانستم وارد خانه شوم. کلیدهایم را گم کرده بودم.

Teresa wasn't at home. She **had gone** shopping.

"ترزا" خانه نبود. او به خرید رفته بود.

کاربرد ششم (زبان تخصصی): برای صحبت کردن درباره اتفاقی که در گذشته شروع شده و تا زمانی مشخص در گذشته ادامه داشته است. به مثال‌های زیر توجه کنید:

When George died he **had married** Anne for nearly fifty years.

وقتی "جرج" فوت کرد او با "آن" نزدیک به پنجاه سال بود که ازدواج کرده بود.

She didn't want to move. She **had lived** in Liverpool all her life.

او دوست نداشت نقل مکان کند. او تمام عمرش را در لیورپول زندگی کرده بود.

کاربرد هفتم (زبان تخصصی): برای صحبت کردن درباره چیزی در گذشته که بارها و بارها انجام می‌شد و ممکن بود باز هم ادامه پیدا کرده باشد. به مثال زیر توجه کنید:

He **had written** three books and he was working on another one.

او سه کتاب نوشته بود و داشت روی یک کتاب دیگر کار می‌کرد.

کاربرد هشتم (زبان تخصصی): در جملات شرطی نوع سوم، برای نشان دادن فرضیه‌ها و آرزوها اگر بخواهیم درباره گذشته صحبت کنیم همیشه از گذشته کامل استفاده می‌کنیم. (گرامر درس دوم پایه دوازدهم) یعنی زمانی که شما انتظار یک شرایط و نتیجه خاصی را در گذشته داشته بودید. از گذشته کامل استفاده می‌کنید.

If I **had woken up** earlier this morning, I wouldn't have missed the class.

اگر امروز صبح زودتر بیدار شده بودم، کلاس را از دست نمی‌دادم.

If you **had cleaned** the house, you could have gone to the park.

اگر خانه را تمیز کرده بودی می‌توانستی به پارک بروی.

Alfred could have bought a nice car If he **had saved** his salary.

آلفرد می‌توانست یک ماشین خوب بخرد اگر حقوقش را پس انداز کرده بود.

نکته مهم (زبان تخصصی): by the time, until, till, as soon as از دیگر مشخصه‌های این زمان هستند:

The teacher didn't check our papers **until** everyone had finished.

تا زمانی که همه تمام نشدند، معلم ما ورقه‌هایمان را چک نکرد.

By the time his uncle got a very good job, he had taken many risks.

تا زمانی که عمویش شغل خوبی بدست آورد، ریسک‌های زیادی را کرده بود.

Hassan had left **as soon as** we came here.

Had you cleaned up the rooms **by the time** your parents came back home?

آیا اتاقها را تمیز کرده بودی زمانیکه والدینت به خانه برگشتند؟

موارد بسیار مهم که در تستهای مربوط به این گرامر، خیلی مورد استفاده قرار میگیرد:

۱- **قانون توالی زمانی:** چنانچه جمله مرکبی را داشته باشیم که یک طرف آن (جمله پایه) زمان گذشته باشد، ادامه آن جمله هم (جمله پیرو یا وابسته) در زمان گذشته خواهد بود. با توجه به این نکته:
هرگاه قیدهای **before, after, just, already, since, for** در زمان گذشته بکار برده شوند، یک طرف آنها زمان گذشته کامل و طرف دیگر زمان گذشته ساده خواهد بود. و چنانچه در زمان حال بکار برده شوند یک طرف آنها زمان حال کامل و طرف دیگر زمان حال ساده میباشد (به غیر از **since** که اگر در زمان حال کامل آمده باشد بعد از آن جمله ای در زمان گذشته ساده میآید. برای مثالهای بیشتر رجوع شود به درس ۲ پایه یازدهم).

When I sent the book to her, she **had already bought** it
I knew I **had seen** that man somewhere before.
She **had just turned** on the T.V when the electricity went off.

۲- برای نشان دادن رابطه علت و معلولی در زمان گذشته از **because, since** استفاده میکنیم (در معنی "چونکه"، "از آنجائیکه"):

گذشته کامل + **because / since** + گذشته ی ساده

I did not have any money **because / since** I **had lost** my wallet.
I bought a new laptop **because / since** she **had broken** my old one.
She could understand the movie easily **because / since** she **had read** the book before.

۳- فرمولهای مهم زیر را برای گرامر این درس بخاطر بسپارید :

گذشته ی ساده + **before** + گذشته کامل

گذشته ی ساده + **when** + گذشته کامل

گذشته کامل + **because** + گذشته ی ساده

گذشته کامل + **after** + گذشته ی ساده

۴- اگر بخواهیم به مقایسه گذشته ساده و گذشته کامل اشاره کنیم، می توان گفت اگر دو عمل در گذشته پشت سر هم یا با فاصله کوتاهی انجام شده باشند هر دو عمل به شکل گذشته ساده بیان می شوند و اگر عملی در گذشته قبل از عمل دیگر با فاصله انجام شده باشد از گذشته کامل استفاده می شود. به دو مثال زیر دقت کنید:

When I **arrived** at the airport (at 7), the plane **had landed** (at 5).

وقتی که به فرود گاه رسیدم، هواپیما به زمین نشست بود. (با فاصله زمانی زیاد)

When I **arrived** at the airport, the plane **landed** immediately.

وقتی که به فرود گاه رسیدم، هواپیما به زمین نشست. (با فاصله زمانی کم و بلافاصله)

۵- اگر چند عمل در گذشته با فاصله کم یا یکی پس از دیگری اتفاق بیافتند، فقط از گذشته ساده استفاده میکنیم نه گذشته کامل.

I **arrived** home at 1:30, **ate** my lunch, **took** a nap, and **did** my homework.

ساعت یک و نیم به خانه رسیدم، ناهار خوردم، چرت زدم و تکالیفم را انجام دادم.

برای فهم این گرامر به مثالهای زیر و معانی فارسی آنها توجه نمائید:

After she'd **studied** a lot, she turned on the TV.

بعد از اینکه زیاد درس خوانده بود، تلویزیون را روشن کرد.

They **hadn't studied** well for the test **because** they didn't take it seriously.

آنها برای امتحان خوب درس نخوانده بودند چون با آن به طور جدی برخورد نکردند.

I'd **been** a professional chess player **before** my friend gave me a chess set.

قبل از این که دوستم ست شطرنج به من بدهد، یک شطرنج باز حرفه ای بوده ام.

When Mrs brown opened the washing machine she realized she **had washed** the money bills.

وقتی خانم براون لباسشویی را باز کرد متوجه شد که اسکناس ها را شسته است.

When my little baby brother got up, I **had eaten** my breakfast.

هنگامی که برادر کوچکترم از خواب بیدار شد، من صبحانه ام را خورده بودم.

My mother **had gone** shopping before she started cooking dinner.

قبل از پختن شام، مادرم خرید کرده بود.

My teacher **had lived** in Paris before he studied art there.

معلم من قبل از اینکه تحصیل در رشته هنر را در پاریس آغاز کند، آنجا زندگی کرده بود.

When my mother called, I **hadn't done** my homework.

وقتی مادرم تماس گرفت من تکالیفم را انجام نداده بودم.

We **hadn't made** dinner before you came.

قبل از این که شما بیائید ما شام درست نکرده بودیم.

Had they **called** you before they came?

آیا آنها قبل از اینکه بیایند با شما تماس گرفته بودند؟

Hadn't you **saved** your data when you closed the program?

آیا وقتی برنامه را بستنی اطلاعاتت را ذخیره نکرده بودی؟

Notes:

مجهول جملات زمان گذشته کامل (ماضی بعید)

از این زمان برای اشاره به عملی که در گذشته قبل از عمل دیگری انجام گرفته باشد بکار میرود. فرمول این زمان عبارت است از:

فاعل	had	شکل سوم فعل (p.p.)	مفعول	قید حالت	قید مکان	قید زمان
------	-----	----------------------	-------	----------	----------	----------

عملی که در گذشته دورتر انجام شده به شکل گذشته کامل و عملی که بعدا انجام شده به شکل گذشته ساده بیان می شوند.

I **had eaten** my breakfast, **when** my little baby brother **got up**.

هنگامی که برادر کوچکترم از خواب بیدار شد، من صبحانه ام را خورده بودم.

سؤالی و منفی کردن این زمان: برای سؤالی کردن این زمان فعل کمکی had را به قبل از فاعل منتقل کرده و برای منفی کردن این زمان ، بعد از آن قید منفی ساز not و یا مخفف آن n't را اضافه میکنیم.

علائم زمان گذشته کامل (در درس سوم به طور مفصل به توضیح آنها خواهیم پرداخت):

since - for - yet - ever - already - just - before – because - after - until - till - by the time

فرمول جمله مجهول زمان گذشته کامل یا ماضی بعید:

... + (فاعل + by) قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + had + been + مفعول

Active: They **had learnt** French carefully before they traveled to France.

آنها به دقت زبان فرانسوی را یادگرفته بودند قبل از اینکه به کشور فرانسه سفر کنند.

Passive: French **had been learnt** carefully (by them) before they traveled to France.

زبان فرانسوی به دقت توسط آنها یاد گرفته شده بود قبل از اینکه به کشور فرانسه سفر کنند.

مجهول کردن جملاتی که افعال ناقص (وجهی) دارند:

یادآوری: افعال ناقص تمامی ویژگیهای سایر افعال دیگر را دارا نمیباشند و خود دارای ویژگیهای منحصر به فرد میباشند:

(۱) این افعال هرگز علامت مصدری to ، ing استمرار، ed برای زمان گذشته و S سوم شخص مفرد نمیگیرند و همیشه در جمله بصورت شکل ساده (مصدر بدون to) بکار برده میشوند.

(۲) بعد از افعال ناقص، فعل همواره به صورت شکل ساده (مصدر بدون to) می آید.

(۳) افعال ناقص همانند افعال کمکی در جمله بکار میروند یعنی ما بین فاعل و فعل اصلی جمله میآیند.

(۴) هر گاه جمله ای داشته باشیم که در آن یک فعل ناقص بکار رفته باشد، برای سؤالی کردن آن جمله فعل ناقص را به قبل از فاعل انتقال میدهیم و برای منفی کردن بعد از آن فعل ناقص قید منفی ساز not و یا مخفف آن یعنی n't را اضافه میکنیم.

(۵) این افعال شکل سوم فعل (p.p.) ندارند.

شکل اول	شکل دوم	شکل سوم	معنی
can	could	-	توانستن
may	might	-	ممکن بودن
should	-	-	باید، بهتره
must	-	-	باید
will	would	-	خواستن

فرمول جملات معلومی که فعل ناقص دارند:

فاعل	فعل ناقص	شکل ساده فعل	مفعول	قید حالت	قید مکان	قید زمان
------	----------	--------------	-------	----------	----------	----------

You **can stop** work early today.

تو امروز میتونی کارت را زودتر تمام کنی.

You **should visit** your parents more than this.

تو باید بیشتر از این از والدینت دیدن کنی.

فرمول جمله مجهول زمان گذشته کامل یا ماضی بعید:

(فاعل + by) قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + be + فعل ناقص + مفعول

Active: The principal **should call** the parents.

مدیر باید به والدین زنگ بزند.

Passive: The parents **should be called** (by the principal).

به والدین باید زنگ زده شود. (توسط مدیر)

تمرین زمان گذشته کامل: جاهای خالی را با توجه به کلمات درون پرانتز کامل کنید.

- 1- She ----- never ----- a bear before she went to the zoo. (**to see**)
- 2- When I ----- at the party, my grandparents had already gone home. (**to arrive**)
- 3- I ----- my homework before I left the house. (**to do**)
- 4- When she arrived, David ----- pizza. (**to cook**)
- 5- After John had graduated from university, his family ----- to California. (**to move**)
- 6- I ----- already ----- my room when the guests arrived. (**to clean**)
- 7- I hadn't been to Japan Before I ----- on business trip. (**to go**)
- 8- She hadn't finished her class before I ----- . (**to arrive**)
- 9- They ----- the money before I paid. (**not to pay**)
- 10- Had you finished your education before you ----- married? (**to get**)
- 11- If I ----- English literature, I would have studied MBA. (**not to study**)
- 12- She had changed her hair style before we ----- her. (**to meet**)
- 13- We ----- so many different places, before we came home. (**to visit**)
- 14- I ----- never ----- such a beautiful beach before I went to Kauai. (**to see**)
- 15- My brother did not have any money since he had lost my wallet. (**to lose**)
- 16- ----- Susan ever ----- Thai before she moved to Thailand? (**to study**)
- 17- We ----- able to get a hotel room because we had not booked in advance. (**not to be**)
- 18- I ----- at that restaurant before I met you. (**not to eat**)
- 19- They ----- well for the test because they didn't take it seriously. (**not to study**)
- 20- I'd been a professional chess player before my friend ----- me a chess set. (**to give**)
- 21- When I arrived at the cinema, the film ----- . (**to start**)
- 22- She ----- in China before she went to Thailand. (**to live**)
- 23- After they ----- the shellfish, they began to feel sick. (**to eat**)
- 24- If you ----- to me, you would have got the job. (**to listen**)
- 25- Julie didn't arrive until after I ----- . (**to leave**)
- 26- When we ----- dinner, we went out. (**to finish**)
- 27- The garden was dead because it ----- dry all summer. (**to be**)
- 28- He ----- her somewhere before he came to this city. (**to meet**)
- 29- We were late for the plane because we ----- our passports. (**to forget**)
- 30- She told me she ----- a lot before the exam. (**to study**)

Answer key for the above questions:

1- had - seen	9- hadn't paid	17- were not	25- had left
2- arrived	10- got	18- had not eaten	26- finish
3- had done	11- hadn't studied	19- hadn't studied	27- had been
4- had cooked	12- met	20- gave	28- had met
5- moved	13- had visited	21- had been started	29- had forgotten
6- had - cleaned	14- had - seen	22- had lived	30- had studied
7- went	15- had lost	23- had left	25- had left
8- arrived	16- had - studied	24- had listened	26- finish

کاربرد افعال ناقص در ساختارهای زمان گذشته (زبان تخصصی):

یادآوری: در درس چهارم پایه دهم به طور مفصل با افعال ناقص و کاربردهای آنها آشنا شدیم. همچنین در درس اول پایه دوازدهم ساختارهای مجهول آنها را یاد گرفتیم (صفحه ۱۹ و ۲۰ همین جزوه) که بهتر است برای مرور مجدد، به درسهای ذکر شده مراجعه نمائید. در اینجا با یکی از مهمترین گرامرهای زبان انگلیسی که در کنکور نظام قدیم جزء اصلی ترین گرامرها برای طراحی سؤال بود آشنا میشویم. (چون در کتاب درسی این گرامر اصلاً نیامده است، اجباری برای یادگیری آن نمیباشد).
نکته: چنانچه بعد از افعال ناقص، ساختار **have + p.p.** آمده باشد، به زمان گذشته اشاره دارند.

1- should + have + p.p.

از این ساختار برای اشاره به عملی که میبایست (یا بهتر بود) در گذشته انجام بگیرد استفاده میکنیم. (برای نصیحت و توصیه و بیان سهل انگاری و بی توجهی در زمان گذشته):

Alfred failed the test. He **should have studied** so hard.

آلفرد در آزمون قبول نشد. او میبایستی خیلی به سختی مطالعه میکرد. (اما مطالعه نکرد).

You **should have practiced** more to win the competition. But you shouldn't.

تو باید بیشتر تمرین میکردی تا در مسابقه پیروز بشوی. اما این کار را نکردی.

He lost his watch yesterday. He **should have been** more careful. (but he wasn't.)

او ساعتش را دیروز گم کرد. باید بیشتر مراقب می بود. (اما نبود)

He was sleepy in the classroom. He **should have slept** more last night. (But he didn't.)

او در کلاس درس خواب آلود بود. او دیشب می بایستی بیشتر می خوابید (ولی نخوابید).

2- shouldn't + have + p.p.

این ساختار حالت منفی ساختار شماره ۱ میباشد و برای اشاره به عملی بکار میرود که نمیبایست در گذشته انجام گیرد. (انجام گرفته است اما بهتر بود انجام نگیرد).

I hurt my back. I **shouldn't have lifted** that heavy box alone.

پشتم درد میکنه. من نباید آن جعبه سنگین را به تنهایی برمیداشتم. (اما این کار را کردم)

The letter wasn't for her. She **shouldn't have opened** it. (But she did.)

نامه برای او نبود. او نمی بایست نامه را باز می کرد (ولی باز کرد).

It was very cold. You **shouldn't have gone out** without a coat. (but you did.)

هوا سرد بود. شما نمی بایست بدون کت بیرون می رفتید. (اما بیرون رفتید)

3- may / might + have + pp

این ساختار برای بیان احتمال ضعیف وقوع عملی در گذشته است که احتمال آن کمتر از ۵۰٪ باشد بکار برده میشود. (شک، تردید و عدم اطمینان)

Mary wasn't at the party. She **may / might have been** sick.

مری در مهمانی نبود. احتمال داره مریض بوده باشد.

در جمله بالا، گوینده از مریض بودن "مری" مطمئن نمی باشد و تنها احتمال می دهد که او مریض است.

نکته: باید توجه داشت که **might** نسبت به **may** از درجه احتمال کمتری برخوردار میباشد.

4- may / might + not + have + pp

حالت منفی فرمول شماره ۳ میباشد. این ساختار برای بیان احتمال ضعیف عدم وقوع عملی در گذشته است که احتمال آن کمتر از ۵۰٪ باشد بکار برده میشود. یعنی برای اشاره به عملی که احتمال ندارد در گذشته انجام گرفته باشد. (اما مطمئن نیستیم که انجام گرفته است یا نه)

I wonder why the math teacher didn't come to the meeting. He **might not have known** about it.
من نمی دانم چرا معلم ریاضی به جلسه نیامد. ممکن است او درباره آن خبر نداشته باشد. (شاید از جلسه خبر نداشت).

A: "I was surprised that Maryam wasn't at the party." عجیب بود که مریم در جلسه حضور پیدا نکرد.
B: I'm not sure. "She **might not have been** sick." مطمئن نیستیم. شاید مریض است.

5- must + have + pp

از این ساختار برای اشاره به عملی که **لابد** یا **حتماً** در گذشته انجام گرفته است. (با دلیل و مدرک و یا استنباط منطقی) یعنی برای بیان عملی است که به احتمال قوی (بیش از ۹۵٪) در گذشته رخ داده است. از آن برای نتیجه گیری در زمان گذشته استفاده میشود. این ساختار حالت منفی ندارد و در تستها حالت منفی آن همواره اشتباه میباشد.

Raman passed all the final exams with the highest grades. He **must have studied** very hard during the academic year.

"رامان" تمامی امتحانات نهایی را با بالاترین نمرات قبول شد. او لابد در طی سال تحصیلی خیلی سخت درس خوانده است.

6- can't / couldn't + have + pp

فرمول شماره ۵ حالت منفی ندارد و این فرمول برای حالت منفی آن بکار میرود. از این ساختار برای اشاره به عملی که **لابد** یا **حتماً** (با دلیل، مدرک و یا استنباط منطقی) در گذشته **نمی توانسته** انجام گرفته باشد.

A: "Your grandfather answered the phone." پدر بزرگت جواب تلفن را داد.

B: "He **can't/ couldn't have been** my grandfather. He died many years ago."
او نمی توانسته پدر بزرگم باشد چون او خیلی سالها قبل فوت کرد.

She passed the exam without studying for it. The exam **can't have been** very difficult.
او بدون این که درس خوانده باشد در امتحان قبول شد. حتماً امتحان آن قدرها دشوار نبوده است.

7- could + have + pp

از این ساختار برای اشاره به عملی استفاده میکنیم که **میتوانست** انجام بگیرد اما انجام نگرفته است. (برای بیان عملی است که توانایی انجام آن در گذشته وجود داشته، ولی روی نداده است.) این ترکیب نشان میدهد که فاعل امکان، شانس و فرصت انجام کاری را در گذشته داشته ولی بنا به ملاحظاتی آنرا انجام نداده است.

There was an interesting film on TV. I **could have watched** it, but I went to the cinema.
تلویزیون فیلم عالی را نشان میداد. میتوانستم که فیلم را تماشا کنم (ولی تماشا نکردم) و به جای آن به سینما رفتم.

He is a rich man. He **could have bought** an expensive car. (But he didn't.)
او مرد ثروتمندی است. او میتوانست یک ماشین گران قیمت را بخرد. (ولی نخریده است.)

They had enough time. They **could have gone** to park. (but they didn't.)
آنها وقت کافی داشتند، میتوانستند به پارک بروند. (اما نرفتند.)

برای فهم بهتر این گرامر مهم، به مثالهای زیر و ترجمه ی فارسی آنها به دقت توجه نمائید:

That was a bad place to go skiing. You **may have broken** your leg.

مکان بدی برای اسکی کردن بود. ممکن بود پایت بشکند. (احتمال)

Farid worked hard all day long. So, went to bed early last night. He **must have been** too tired.

فرید در تمام طول روز به سختی کار کرد. بنابراین دیشب زود به بستر رفت. حتماً (لابد) بیش از حد خسته بوده است. (نتیجه گیری منطقی)

I wonder why she didn't answer the phone. She **may have been** asleep.

نمی دانم چرا تلفن را جواب نداد. شاید خواب بوده باشد. (احتمال ضعیف)

Farhad caught a bad cold last night, He **must have stayed** in the rain for a long time.

فرهاد دیشب سرماخوردگی شدیدی گرفت، باید مدت طولانی زیر باران مانده باشد. (بر اساس یک نتیجه گیری منطقی و عقلایی)

This report is full of mistakes. You **should have worked** more carefully.

این گزارش پر از غلط املائی است، باید با دقت بیش تر کار می کردی. (اما با دقت بیش تری کار نکردی.)

A: I can't find my bag anywhere. B: you **might have left** in the shop. I'm not sure.

- من کیفم را نمی توانم هیچ جا پیدا کنم. - ممکن است شما آن را در مغازه جا گذاشته باشی. مطمئن نیستم. (احتمال ضعیف)

They aren't home. They **may have gone** out shopping.

آنها خانه نیستند. ممکن است برای خرید بیرون رفته باشند. (احتمال ضعیف)

I hurt my back. I **shouldn't have lifted** that heavy box.

پشتم صدمه دید. نباید آن جعبه ی سنگین را بلند می کردم. (ولی جعبه ی سنگین را بلند کردم.)

That big box was very heavy. He **can't / couldn't have taken** it by himself.

آن جعبه بزرگ خیلی سنگین بود. او به تنهایی نمی توانسته آن را برده باشد. (بر اساس یک نتیجه گیری منطقی و عقلایی)

You shouldn't have driven so fast! You **might have had** an accident.

نباید این قدر به سرعت رانندگی میکردی! ممکن بود تصادف کنی. (ولی میدانیم تصادفی رخ نداده است.)

We had enough food at home. They **could have eaten** lunch with us, but they ate at a restaurant.

ما در خانه غذای کافی داشتیم. آنها می توانستند با ما ناهار بخورند اما در رستوران ناهار میل کردند.

Why did you throw the bottle out of the window? It **might have hit** somebody.

چرا بطری را از پنجره بیرون انداختی؟ ممکن بود به کسی بخورد. (احتمال ضعیف)

She didn't tell her mother the truth. She **should have told** her the truth. (But she didn't.)

او حقیقت را به مادرش نگفت. او می بایست حقیقت را به او می گفت (ولی نگفت).

Everywhere is very wet. It **must have rained** last night.

همه جا خیلی خیس است. حتما دیشب باران باریده است. (بر اساس یک نتیجه گیری منطقی و عقلایی)

A: "How did Mina hurt herself?"

B: "I'm not sure. She **might have fallen down**."

مینا چه طوری به خودش صدمه زد؟ - نمی دانم. شاید از جایی افتاده باشد.

I'm feeling sick. I **shouldn't have eaten** so much chocolate.

حالم خوب نیست. نباید آن همه شکلات می خوردم. (اما خوردم.)

I can't find my keys. I **might have left** them in the house.

نمیتوانم دسته کلیدم را پیدا کنم. شاید آن را در خانه جا گذاشته باشم. (احتمال ضعیف)

We **could have gone** to the cinema, but we stayed at home.

ما می توانستیم به سینما برویم ولی در خانه ماندیم.

تستهای دستگرمی برای افعال ناقص در ساختارهای زمان گذشته: بهترین گزینه را برای جاهای خالی انتخاب کنید.

- 1- A: I have lost my book B: I'm not sure, you ----- have left in at home.
a. may b. could c. should d. must
- 2- Her parents----- her decision to go to university, of course I am not sure.
a. would have influenced b. could have influence
c. might have influenced d. must not have influenced
3. I'm beginning to get worried. They ----- us long before this.
a. should write b. should have written c. might write d. might have write
4. It was sunny yesterday. We ----- on a picnic, but we stayed home.
a. could go b. might have gone c. should go d. could have gone
5. We ----- have left the door unlocked when we left the house.
a. shouldn't b. should c. would d. may
6. A: "I wonder why he didn't telephone." B: "He ----- have forgotten your number."
a. could b. should c. might d. would
7. You looked much weaker than yesterday. You ----- an appointment with a doctor then.
a. must have made b. could make c. could had made d. should have made
8. I ----- have written a letter to him, but I telephoned him instead.
a. could b. shouldn't c. would d. must
9. The children returned from the picnic very happy. They ----- have had a good time.
a. should b. must c. could d. would
10. You shouldn't have left your bicycle there. Someone ----- it. You were lucky.
a. should steal b. could steal c. must have stolen d. could have stolen
11. His friend ----- have helped him when he was in trouble instead of laughing at him.
a. couldn't b. should c. would d. must
12. They ----- have punished very little boy so severely yesterday. He hurt a lot.
a. shouldn't b. must c. couldn't d. would
13. "Why didn't you take the test? It was very easy. You ----- have got a good mark."
a. should b. must c. could d. shouldn't
14. You ----- have told me that his mother was in hospital, but you didn't.
a. might not b. should c. would d. could not
15. Everything outside was frozen in the morning. It ----- have been very cold last night.
a. should b. would c. must d. couldn't
16. You had enough time and ----- to our party, why did you stay home?
a. should come b. might have come c. would come d. could have come

Answer Key:

1	A	5	A	9	B	13	C
2	C	6	C	10	D	14	B
3	B	7	D	11	B	15	C
4	D	8	A	12	A	16	D

ضرب المثل ها Proverbs

ضرب المثل عبارت، جمله، مصرع یا بیتی از شعری معروف است که نصیحت‌هایی آموزنده و مفید را در باره زندگی میدهد. ما در زندگی روزمره بارها با ضرب المثلها برخورد میکنیم. چه در منزل باشیم و چه در مدرسه یا سرکار و یا در خلال یک مکالمه با یک دوست، احتمال شنیدن یک ضرب المثل بالاست. ضرب المثل‌هایی که به صورت پر رنگتر نوشته شده‌اند در کتاب درسی آمده و بقیه مخصوص دانش آموزان علاقمند و یا منحصرأ زبان میباشند:

<i>Proverbs</i>	<i>Persian Meanings</i>
A big head has a big ache.	هر که بامش بیش برفش بیشتر.
Accidents can happen.	حادثه خبر نمیکند.
A poor workman blames his tools.	عروس نمی‌توانست برقصد، می‌گفت زمین کج است.
A bird in the hand is worth two in the bush.	سرکه نقد، به از حلوی نسیه.
Absence makes the heart grow fonder.	دوری و دوستی.
A burnt child dreads the fire.	مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید میترسه.
Actions speak louder than words.	دو صد گفته چون نیم کردار نیست.
A friend in need is a friend indeed.	دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پریشان‌حالی و درماندگی.
A good beginning makes a good ending.	خشت اول چون نهد معمار کج؛ تا ثریا می رود دیوار کج.
A jack of all trades is master of none.	همه‌کاره و هیچ‌کاره.
A lie has no legs.	دروغ که دست و پا ندارد.
A little knowledge is a dangerous thing.	نیم‌طیب خطر جان، نیم‌فقیه خطر ایمان.
A merry heart makes a long life.	دل شاد بودن، عمر انسان را طولانی می‌کند.
A miss by an inch is a miss by a mile.	آب که از سر گذشت چه یک وجب چه صد وجب.
A penny saved is a penny earned.	قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود.
A person is known by the company he keeps.	تو اول بگو با کیان دوستی؛ پس‌آنکه بگویم که تو کیستی.
A picture is worth a thousand words.	شنیدن کی بود مانند دیدن.
A sound mind in a sound body.	عقل سالم در بدن سالم است.
All cats love fish but hate to get their paws wet.	نابرده رنج، گنج میسر نمی‌شود؛ مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد.
All flowers are not in one garland.	گل بی‌علت و بی‌عیب خداست.
All good things come to an end.	هر چیز خوبی به پایان می‌رسد.
All hat and no cattle.	همه من هستند، هیچ‌کس نیم‌من نیست.
All roads lead to Rome.	هرجا بری آسمون همین رنگه.
All's well that ends well.	شاهنامه آخرش خوش است.
All that glitters are not gold.	هر گردی گردو نیست.
All things come to he who waits.	گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی.
An eye for an eye and a tooth for a tooth.	چشم در برابر چشم و دندان در برابر دندان.
An ounce of prevention is worth a pound of cure.	پیشگیری بهتر از درمان است.
April showers bring May flowers.	رنج امروز، آسایش فردا.
Ask and you shall receive.	سؤال کن تا بیایی.

<i>Proverbs</i>	<i>Persian Meanings</i>
Ask me no questions, I'll tell you no lies.	از من نپرس تا به تو دروغ نگویم.
Ask no questions and hear no lies.	نپرس تا دروغ نشنوی.
As you make your bed, so you must lie in it.	آش کشک خالته، بخوری پاته نخوری پاته.
As you sow, so shall you reap.	هرچه بکاری، همان بدروی.
You scratch my back and I'll scratch yours.	چیزی که عوض داره، گله نداره
A word to the wise is enough.	عاقلان را اشارتی کافیهست.
A word spoken is past recalling.	تیری که رها شد به چله باز نگرده.
Barking dogs seldom bite.	از آن نترس که های و هویی دارد، از آن بترس که سر به تویی دارد.
Beauty is in the eye of the beholder.	علف به دهن بزی باید شیرین بیاد.
Beggars can't be choosers.	دندان اسب پیش کشی را نمی شمردند.
Better be alone than in bad company.	دلا خو کن به تنهایی که از تنها بلا خیزد.
Better late than never.	دیر رسیدن بهتر از هرگز نرسیدن است.
Better safe than sorry.	چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی.
Birds of a feather flock together.	کبوتر با کبوتر، باز با باز.
Blood is thicker than water.	چراغی را که به خانه رواست، به مسجد حرام است.
Brain is better than brawn.	عقل، بهتر از زور بازو است.
Bread is the staff of life.	شکم از همه چیز مهم تره.
Business is business.	حساب حسابه کاکا برادر.
Clothes make the man.	آستین نو پلو بخور - احترام مرد به لباس است.
Clothes don't make the man.	نه همین لباس زیباست نشان آدمیت.
Cross the stream where it is the shallowest.	بی گذار به آب نزن.
Cry wolf.	چوپان دروغگو.
Curiosity killed the cat.	فضولی موقوف.
Cut your coat according to your cloth.	پا را به اندازه گلیم خود دراز کن.
Charity begins at home.	چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است.
Delays are dangerous.	کار امروز را به فردا میفکن.
Do as you would be done by.	آنچه را برای خود نمی پسندی برای دیگران نیز مپسند.
Don't bite the hand that feeds you.	نمک خوردن و نمک دان شکستن.
Don't burn your bridges before they're crossed.	پل های پشت سرت را خراب نکن.
Don't change horses in midstream.	وسط دعوا، نرخ تعیین نکن.
Don't count your chickens before they're hatched.	جوجه را آخر پاییز می شمارند.
Don't cross a bridge until you come to it.	چو فردا رسد فکر فردا کنیم.
Don't cry over spilt milk	آب ریخته جمع شدنی نیست.
Don't look a gift horse in the mouth	دندون اسب پیشکشی رو نمیشمارند.
Don't make a mountain out of a molehill.	از کاه، کوه نساز.

<i>Proverbs</i>	<i>Persian Meanings</i>
Don't put all your eggs in one basket.	همه‌ی دارایی‌ات را روی یک چیز سرمایه‌گذاری نکن.
Don't put the cart before the horse.	سرنا از ته نمی‌زنند.
Don't spit into the wind.	مثل تف سربالا می‌مونه.
Do or die.	انجام بده یا بمیر.
Eagles don't catch flies.	شاهین حشره شکار نمی‌کنه.
Early bird catches the worm.	سحرخیز باش تا کامروا باشی.
Easy come, easy go	باد آورده را باد می‌برد.
Eat to live, don't live to eat.	بخور تا زندگی کنی، زندگی نکن برای خوردن.
East or West, home is best.	هیچ جا خونه خود آدم نمیشه.
The person who has nothing to say, often speaks most.	طبل هرچه تو خالی تر صدایش بلندتر.
Every cloud has a silver lining.	در نا امیدی بسی امید است.
Every day is a new beginning.	روز از نو، روزی از نو.
Every disease will have its course.	هر علتی، معلولی داره.
Every man has a price.	هر کسی یه قیمتی داره.
Every rule has its exception.	حکمت خدا بی دلیل نیست.
Everything comes to him who waits.	گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی.
Every why has a wherefore.	هیچ دردی بی دلیل نیست - هر علتی، معلولی داره.
Friend in need is a friend indeed.	دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پریشان حالی و درماندگی
God helps those who help themselves.	از تو حرکت از خدا برکت.
Good fences make good neighbors.	مواظب مالت باش همسایه ات رو دزد نکن.
Good men are scarce.	آدم خوب کم پیدا میشه.
Half a loaf is better than none.	چراغ موشی به ز خاموشی - نصف نان بهتر از هیچی.
Haste makes waste.	عجله کار شیطان است.
Hawks will not pick out hawks' eyes.	چاقو دسته‌ی خود را نمی‌برد.
Health is better than wealth.	سلامتی بهتر از توانگری است.
He is a button short.	یه تخته اش کمه.
He that will steal an egg will steal an ox.	تخم مرغ دزد شتر دزد می‌شود.
He who hesitates is lost.	کسی که تردید می‌کند، می‌بازد.
His bark is worse than his bite.	واق واق کردنش بدتر از گاز گرفتنش است.
His bread is buttered in both sides.	نونش تو روغنه.
His fingers are all thumbs.	دست و پا چلفتی.
Home is where the heart is.	آنجا خوش است که دل آنجاست.
Home is where you hang your hat	خونه اونجاییه که کلاهت رو آویزان میکنی.
Horses for courses.	هر کسی را بهر کاری ساختن.
It's easy to be wise after the event.	معما چو حل گشت آسان شود.

<i>Proverbs</i>	<i>Persian Meanings</i>
It's never too late to mend.	ماهی را هروقت از آب بگیری تازه است.
I would sooner die than lie.	مردن را به دروغ گفتن ترجیح میدهم.
Kill two birds with one stone.	با یک تیر دو نشان زدن.
Laughter is the best medicine.	خنده بر هر درد بی درمان دواست.
Liars ought to have good memories.	دروغگو کم حافظه است.
Like a duck in thunderstorm.	مثل خر در گل ماندن.
Like father like son.	پسر کو ندارد نشان از پدر.
Little by little and bit by bit.	قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود.
Long absent, soon forgotten.	از دل برود هر آن که از دیده برفت.
Love is blind.	عشق کور است.
Make hay while the sun shines.	تا تنور گرم است باید نان را چسباند.
Make love not war.	تا توانی دلی به دست آور دل شکستن هنر نمی باشد.
Money does not grow on trees.	پول علف خرس نیست.
Money makes the world go around.	دنیا رو پول میچرخونه.
Necessity is the mother of all invention.	نیاز مادر اختراع است.
Never put off till tomorrow what you can do today.	کار امروز به فردا میفکن.
No gain, no pain.	نابرده رنج گنج میسر نمی شود.
No news is good news.	بی خبری خوش خبریست.
Once bitten, twice shy.	مارگزیده از ریسمان سیاه و سفید می ترسه.
One swallow doesn't make summer.	با یه گل بهار نمیشه.
Out of sight, out of mind.	از دل برود هر آنکه از دیده رود.
Practice makes perfect.	کار نیکو کردن از پر کردن است.
Prevention is better than cure.	پیش گیری بهتر از درمان است.
Rome wasn't built in a day.	گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی.
Seek knowledge from the cradle to the grave.	ز گهواره تا گور دانش بجویی.
Smell fishy.	کاسه ای زیر نیم کاسه است.
Smile, and the world smiles with you. Cry, and you cry alone.	تا پول داری رفیقتم، قربان [عاشق] بند کیفتم.
Still waters are the deepest.	درخت هر چه پر بارتر، سر به زیرتر.
Strike while the iron is hot.	تا تنور گرم است باید نان را چسباند.
Sweet nothing.	حرفهای صد من یه غاز.
Talk of the devil – and the devil appears.	مثل جن می ماند اسمش را می برند می آید.
Tells tales.	یک کلاغ چهل کلاغ کردن.
The better, the best.	هر چه بیشتر، بهتر.
The bigger they are, the harder they are.	هر که بامش بیش، برفش بیشتر.

<i>Proverbs</i>	<i>Persian Meanings</i>
The cat dreams of mice.	شتر در خواب ببند پنبه دانه.
The miles of God grind slowly.	چوب خدا صدا نداره.
The pot calls the kettle black.	دیگ به دیگ میگه روت سیاه.
The sooner the better.	هرچه زودتر، بهتر.
There's no place like home.	هیچ جا خونه خود آدم نمیشه.
There's something in the wind.	کاسه ای زیر نیم کاسه است.
Third time lucky.	تا سه نشه، بازی نشه.
Think before you speak.	سخن را سنجیده بزن
Time is money.	وقت طلاست
This too, shall pass.	این نیز بگذرد
To carry coals to Newcastle.	زیره به کرمان بردن.
To dance with a person's tune.	با ساز کسی رقصیدن.
To each his own.	عیسی به دینش، موسی به دینش.
To fall from the frying pan into the fire.	از چاه درآمدن و تو چاله افتادن.
To get out of bed on the wrong side.	از دنده چپ برخاستن.
To go the stream.	هم رنگ جماعت شدن.
To have a finger in every pie.	نخود هر آش بودن.
Tomorrow is another day.	فردا هم روز خداست.
Too many cooks spoil the broth.	آشپز که دو تا شد، آش یا شور می شه یا بی نمک.
To pour oil on the fire.	آتش بیار معرکه بودن.
Two heads are better than one.	یه دست صدا نداره.
Variety is the spice of life.	تنوع چاشنی زندگی است.
We all make mistakes.	انسان جایز الخطاست
When in Rome do as the Romans do.	خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت باش!
We are all in this together.	ما هممون دستمون توی یه کاسه است.
What goes around comes around.	هر چی بکاری همون رو درو میکنی.
What doesn't kill you, makes you stronger.	هر چی که نکشدت، قویترت میکنه.
When the cat's away, the mice will play.	موش که چشم گربه رو دور ببینه، دم در میاره.
Where one door shuts, another opens.	خدا گر ز حکمت ببندد دری گشاید ز رحمت در دیگری
If something is good for one person, it is good for everyone.	هر چه را برای خود میپسندی، برای دیگران هم بیسند.
Where there's a will, there's a way.	خواستن، توانستن است
While there's life, there's hope.	هر جا زندگی باشه، امید هم هست.
Who keeps company with the wolves, will learn to howl?	عاقبت گرگ زاده گرگ شود.
You pay your money, you take your choice.	هر چقدر پول بدی، همون اندازه آش میخوری.

لطفاً قبل از زدن تستهای واژگان درس سوم، علاوه واژگان این درس، واژگان مهم زیر را هم یاد بگیرید:

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
shelf	قفسه	lettuce	کاهو
permanently	به طور پایدار، ماندگار	identifiable	قابل شناسایی
shiny	درخشان، تابناک	throughout	سراسر، تماماً، به کلی
initial	ابتدایی، آغازین، نخستین	argument	جر و بحث، مشاجره
revolve	چرخیدن، گردش کردن، دور زدن	decade	دهه (ده سال)
alternative	جایگزین، جانشین - پیشنهاد، گزینه	innovation	نوآوری، ابداع
particularly	به ویژه، به طور خاص	mixed up	قاطی کردن، گیج شدن
consumption	مصرف، استفاده	awareness	هوشیاری، آگاهی
Egyptian	مصری (اهل کشور مصر)	component	جزء سازنده، اجزاء، مؤلفه، قسمت
alcoholic	الکلی، حاوی الکل	counterpart	همکار، شریک - همتا، المثنی - نقطه مقابل
convince	قانع کردن، راضی کردن، متقاعد کردن	couple	زوج، زن و شوهر
reasonable	منطقی، معقول	climate	شرایط آب و هوایی
delivery	تحویل	dread	ترس، بیم، وحشت، ترسیدن از
whereas	در حالیکه، نظر به اینکه، از آنجائیکه	fond	علاقمند، مایل، مشتاق، شیفته، خواهان
circulate	چرخش کردن، چرخیدن	ensure	مطمئن کردن، اطمینان دادن
line	صف، خط	impression	اثر - احساس، ادراک، گمان - عقیده
except	به جزء، به غیر از	sweaty	خیس عرق
conflict	کشمکش، ستیزه، نبرد - ناسازگاری، تضاد	Shine (shone)	درخشیدن
cooperate	همیاری کردن، با هم کار کردن، همدستی	beam	اشعه، پرتو، شعاع - تیر سقف، تیرک
mammals	(موجودات) پستاندار	beloved	محبوب، مورد علاقه
beach	ساحل	nephew	پسر خواهر، پسر برادر
marketplace	بازار، میدان فروش کالا	idiom	اصطلاح، تعبیر ویژه - زبان ویژه
rubbish	آشغال، زباله	quotation	نقل قول، اقتباس - سهمیه بندی
noise- free	بدون صدا	exclamation	علامت تعجب - حرف ندا - فریاد، بانگ
multiplication	افزایش، ضرب، تکثیر، ازدیاد	I'm afraid	شرمندم، متأسفم
likelihood	احتمال	attitude	نگرش، گرایش، روش و رفتار
household	خانگی، خانوار، خانواده، اهل بیت	tendency	تمایل، میل، استعداد، علاقه - گرایش
total	کل، مجموع، جمع کل، کامل، کلی	require	نیاز داشتن
annual	سالیانه	involve	شامل بودن، در برداشتن
budget	بودجه	formula	فرمول، دستور، قاعده رمزی
considerable	قابل توجه، شایان توجه، مهم	politics	سیاست
consumer	مصرف کننده	apply for	نام نویسی کردن برای
screen	صفحه، صفحه تصویر	provide for	فراهم کردن برای
turkey	بوقلمون	force	نیرو، اجبار - مجبور کردن

1. After finishing reading the novel, I ----- the book correctly on the shelf.
a. replaced b. defended c. covered d. attracted
2. In a natural process, nitrogen is ----- into nitrates in the soil which plants can then use.
a. magnified b. visited c. consumed d. converted
3. As the number of population increases, power plants should ----- more fossil fuels to generate electricity.
a. consider b. endanger c. consume d. expand
4. They have greatly ----- the size and cost of most electronic products, while at the same time increasing their power and quality.
a. reduced b. developed c. generated d. labeled
5. I see China as a necessary part of a growing new ----- economy.
a. global b. renewable c. suitable d. common
6. The concert was a ----- to raise money for a young boy who had to have an expensive operation.
a. benefit b. choice c. course d. ceremony
7. He believes that eating ----- food reduces one`s chances of developing certain types of cancer.
a. organic b. renewable c. ordinary d. junk
8. This article teaches how you can permanently lose your weight by ----- the carbohydrates.
a. reducing b. absorbing c. increasing d. tasting
9. Some writers` memories make you so ----- of them that you wish you knew them personally.
a. magic b. shiny c. fond d. invisible
10. The market economy means peaceful ----- and peaceful exchange of goods and services.
a. activity b. suggestion c. cooperation d. manner
11. The ----- of these three experiments suggest that there are many ways to feed young horses.
a. guidelines b. differences c. results d. panels
12. Contracts are made for an initial 4 years, ----- up to an additional 4-year period.
a. countless b. global c. renewable d. suitable
13. Last week a satellite weighing 12 tons was successfully ----- in orbit.
a. revolved b. heated c. placed d. generated
14. The makers of the car claim that hybrid cars use up to 50% less ----- than other similar cars.
a. fuel b. heat c. pollution d. power
15. Scientists are looking for a ----- which will produce energy without polluting the air.
a. fuel b. gadget c. panel d. variety
16. Wind turbines are used to ----- electricity for the local community.
a. generate b. consume c. power d. form
17. Researchers are looking at ways of ----- power using the action of the ocean's tides.
a. saving b. pumping c. orbiting d. generating
18. Fish is a key ----- of omega 3 oils which have health benefits particularly for the heart.
a. alternative b. center c. absence d. source

19. We can start by reducing our energy consumption and turning to ----- resources.
a. separate **b. portable** **c. remote** **d. renewable**
20. If you are serious about -----, you should eat less junk food and more vegetables so your body can stay in shape.
a. diet **b. blood pressure** **c. addiction** **d. fitness**
21. We are constantly ----- about the dangers, but at the end of the day it depends on parents to be sure about the safety of their children.
a. searching **b. considering** **c. expressing** **d. warning**
22. You might love sheep or cow meat but you`ll find that a / an ----- meal is easier to digest.
a. fast food **b. veggie** **c. strong** **d. junk food**
23. She needs to have an emergency operation on her eyes to save her ----- because she has been blind as a result of a heavy accident.
a. power **b. sight** **c. hearing** **d. life**
24. Because they are mostly Muslim, Egyptians do not ----- alcoholic drinks.
a. like **b. consume** **c. absorb** **d. deliver**
25. You should wear something light-colored when you`re cycling at night so that you`re more -----.
a. shiny **b. visible** **c. loving** **d. fantastic**
26. His family are convinced the drug was the cause of the depression which ----- his death.
a. led to **b. gave off** **c. worked out** **d. figured out**
27. My little sister is coming home after 12 years and has been saying that ----- all through her trip back.
a. there`s no place like home **b. out of sign, out of mind**
c. birds of a feather flock together **d. absence makes the heart grow fonder**
28. It seems reasonable to ----- that people`s behavior is influenced by what they see on TV.
a. conclude **b. demand** **c. allow** **d. protect**
29. Decisions could be made on the ----- of price, delivery dates, after- sales service.
a. basis **b. expression** **c. term** **d. type**
30. The first analysis is based on all 434 patients, whereas a number of patients after two months was ----- to less than 200.
a. applied **b. concluded** **c. reduced** **d. generated**
31. Many people have been ordered to stay indoors and some people are suffering ----- sickness.
a. magic **b. magnet** **c. radiation** **d. issue**
32. Ted knows that he would have no problem speaking in public if he would only ----- his fears instead of running away from them.
a. overcome **b. combine** **c. discover** **d. remind**
33. Billy was a good student because he would actively participate in class and ----- all the rules.
a. power **b. obey** **c. discover** **d. transmit**
34. 1 An expert recently noted that the world has gradually moved toward cleaner ----- from wood to coal, from coal to oil, and from oil to natural gas.
a. fuels **b. supplies** **c. powers** **d. formulas**
35. This fruit is also an important ----- of many traditional Chinese medicines.
a. component **b. variety** **c. demand** **d. product**

36. The purpose of the steam turbine is to ----- the heat contained in steam into mechanical energy.
a. convert **b. consume** **c. cooperate** **d. absorb**
37. The teacher will probably ----- I am not listening to her lecture because I have my eyes closed.
a. conclude **b. elicit** **c. warn** **d. consider**
38. Some babies are unable to ----- the sugar lactose, which is in cow's milk formulas.
a. convert **b. consume** **c. digest** **d. absorb**
39. Solar panels, wind turbines, and hydroelectricity are renewable ----- sources of power.
a. alternative **b. light** **c. waste** **d. radiation**
40. When she heard her sons ----- to one another, the mother was glad that they knew how to solve a disagreement.
a. apologize **b. absorb** **c. dread** **d. spoil**
41. I always ----- if I hurt someone's feelings and find a way to show that I'm sorry
a. allow **b. apologize** **c. arrange** **d. disconnect**
42. Many rivers have been so ----- that they can no longer be used for drinking water.
a. designed **b. polluted** **c. highlighted** **d. recognized**
43. percent of the world's population ----- 80 percent of the planet's resources.
a. handles **b. consumes** **c. regards** **d. replace**
44. The ----- from the bomb circulated through the air and killed thousands.
a. component **b. feather** **c. radiation** **d. garbage**
45. She has a lot of ----- experience in dealing with these kinds of problems.
a. portable **b. gone** **c. practical** **d. supporting**
46. Students should not write outside the ----- but instead stay inside the lines.
a. booklet **b. diary** **c. margin** **d. diploma**
47. A robot must ----- the orders given it by men except where such orders conflict with the first law.
a. demand **b. obey** **c. combine** **d. record**
48. Our technology and ability to cooperate in societies allows us to ----- many of the things that kill other mammals.
a. claim **b. overcome** **c. consume** **d. absorb**
49. Cutting the police force is not a ----- idea when crime is high in our city.
a. confusing **b. practical** **c. ancient** **d. magic**
50. The rocks on this beach ----- me of those summer days when we were there.
a. waste **b. roll** **c. select** **d. remind**
51. It's our hope that we will play an greater role in the marketplace and, therefore, ----- more jobs.
a. replace **b. spoil** **c. reduce** **d. supply**
52. In addition to teaching basic academic skills, we offer a large ----- of activities for students.
a. source **b. benefit** **c. variety** **d. background**
53. Do not throw rubbish onto the ground. Do not ----- water. Use both sides of paper when you write. Stop using plastic bags for shopping.
a. use up **b. consume** **c. waste** **d. revolve**
54. Note that you will have to be running this program in a relatively noise-free environment, so ----- your headphones and make sure your CD drive is spun down.
a. deal with **b. hold** **c. plug in** **d. work out**

72. On the afternoon of May 8, 2005, Chinese President Hu Jintao met in the hotel where he stayed with his Turkmen ----- Saparmurat Niyazov.
a. astronaut **b. component** **c. collector** **d. counterpart**
73. The company has angered its employees with its decision to ----- the number of hours worked to part-time.
a. claim **b. cooperate** **c. reduce** **d. obey**
74. For most of the time the United Kingdom played an important part in the organization of world ----- sources even in the Middle East.
a. power **b. reminder** **c. travel** **d. building**
75. We, I mean Rachel and I, are a really happy couple although we have ----- views when it comes to such issues as politics and religion.
a. opposite **b. practical** **c. impossible** **d. following**
76. In cold climates, houses need to have walls that will ----- heat.
a. absorb **b. blow** **c. dread** **d. demand**
77. Please call this number if you ----- any further information.
a. reduce **b. collect** **c. consider** **d. require**
78. I didn't like him at first, but in the end I actually got quite ----- of him.
a. fond **b. available** **c. common** **d. excellent**
79. The role of the police is to ensure that the law is -----.
a. combined **b. forgive** **c. demanded** **d. discovered**
80. Within a short space of time you could be speaking ----- English!
a. essential **b. perfect** **c. bilingual** **d. dedicated**
81. He returns to the England team after a long ----- from international football.
a. community **b. source** **c. formula** **d. absence**
82. The wind farm may be able to ----- enough electricity for homes.
a. reduce **b. generate** **c. increase** **d. flock**
83. It's important to create a good impression when you meet a new -----.
a. broth **b. client** **c. distance** **d. charger**
84. The art department and the music department are in two ----- buildings.
a. meaningful **b. countless** **c. immediate** **d. separate**
85. Good communication is an important ----- of any relationship.
a. community **b. outlet** **c. component** **d. device**
86. He was careful to keep out of ----- because he had not obeyed the traffic rules when the traffic light was red.
a. vision **b. sight** **c. effect** **d. sense**
87. Doctors recommend that after having your meal sit still and allow it to ----- calmly.
a. arrange **b. hug** **c. digest** **d. pump**
88. I'm ----- my English exam on writing and I'm sure I'm going to fail.
a. collecting **b. reviewing** **c. dreading** **d. attempting**
89. He had walked for two hours, so he took off his shoes to ----- his sweaty feet.
a. change **b. cool** **c. convert** **d. compare**

Grammar Tests (Lesson3 - Vision3)

"ادامه مجموعه تستهای مربوط به جملات معلوم و مجهول" (درس اول و سوم)

1. The television----- . It is working again now.
a. has repaired b. is repaired c. was repaired d. will be repaired
2. The house is very old. It----- over 100 years ago.
a. built b. builds c. is built d. was built
3. English----- in schools, so many Iranian students know a little English.
a. taught b. teaches c. is taught d. is to teach
4. The mail----- when the secretary gets back from lunch.
a. will be sent b. is going to send c. has sent d. should send
5. That picture----- by a great artist.
a. will paint b. was painting c. has painted d. was painted
6. This book----- to the library today.
a. has to be return b. has returned c. has to return d. has to be returned
7. All the coconuts----- by the monkey in those days.
a. pick quickly b. picked quickly c. are quickly picked d. were quickly picked
8. I think our windows----- late in the evening.
a. will clean b. are clean c. clean d. will be cleaned
9. By the time I arrived at the theater, there were no tickets left. They-----.
a. have been sold b. were sold c. had been sold d. would sell
10. All the windows----- last week.
a. washed b. will wash c. were washed d. are washed
11. The music at the party was loud and----- from far away.
a. could hear b. can be heard c. can hear d. could be heard
12. Who wrote that letter? It----- by a student.
a. is written b. is writing c. was written d. was writing
13. Someone must send this letter immediately. In other words, this letter ----- immediately.
a. must send b. may send c. must be sent d. are sent
14. People should plant tomatoes in the spring. "Tomatoes----- in the spring."
a. should be planted b. should plant c. can be planted d. they can plant
15. Computers----- in any field of activity.
a. should use b. can be used c. can use d. must be use
16. Have heard that a new house ----- next to ours next year.
a. must build b. could be build c. will be build d. has been built
17. That's not my coat. It ----- to Sara.
a. is belonged b. belongs c. may be belonged d. is belonging
18. When I arrived at the airport yesterday, I ----- by my cousin and a couple of her friends.
a. have been met b. could meet c. was met d. met

19. If I ----- to University. I would have studied computers.
a. had went b. had gone c. have gone d. go
20. Marjan said she was really busy this week, but I think she ----- the party if she doesn't have to work overtime on Friday.
a. should attend b. will attend c. will be attended d. should be attended
21. The road over the mountains----- if this rain turns to snow.
a. are closed b. can close c. those can close d. might be closed
23. It is expected that a new law ----- by the government next year.
a. is going to introduce b. would be introduced c. will introduce d. will be introduced
24. Why----- the doctor----- before I was told?
a. had-been called b. had been-called c. had been called d. has-been called
25. The five great lakes of the world----- in Michigan.
a. can find b. can be found c. can found d. can be find
26. That new bridge----- before the first snow hits this winter.
a. may been finished b. may be finished c. may finished be d. may finish
27. The application form ----- carefully to make sure we don't miss anything.
a. should to be filled out b. should be filled out c. should be fill out d. should fill out
28. The bill ----- before leaving the restaurant.
a. must be paid b. may be paid c. had paid d. may pay
29. Some dangerous gases----- when garbage is burned.
a. should be produced b. may be produced c. should produce d. may produce
30. Mom says we----- watch TV after we have finished our homework.
a. can be b. must be c. can d. must
31. Problems with policies----- to the customer service manager.
a. should be reported b. be should reported c. should reported d. should report
32. I believe more apartment must----- to the workers.
a. be built and given b. be built and give c. be built given d. built and give
33. The new book has been recently written----- very soon.
a. will be published b. will publish c. would publish d. are publishing
34. A man's worth----- by his character rather than by his social position.
a. should be judged b. should be judge c. should judge d. judge
35. A mere repetition of other people's research----- true scientific research.
a. cannot be called b. may be called c. cannot call d. may call

Grammar Tests (Lesson3 - Vision3)

" تستهای مربوط به زمان گذشته کامل همراه با مرور زمانهای دیگر "

1. She felt a little better after I ----- her the medicine.
a. have taken b. was taking c. had taken d. am taking
2. He had eaten his dinner before he ----- to bed.
a. had gone b. gone c. went d. go
3. Alex was very tired because he----- football all afternoon yesterday.
a. played b. had played c. plays d. will play
4. My wife----- the house before our guests arrived.
a. cleans b. cleaned c. has cleaned d. had cleaned
5. My mother----- the dishes after the guests had gone away.
a. had washed b. have washed c. washed d. wash
6. I couldn't buy ticket because I ----- my money.
a. had forgot b. forgot c. forget d. had forgotten
7. The woman told me that she ----- in Isfahan before.
a. has worked b. worked c. had worked d. work
8. ----- he moved to China?
a. Had studied Joe Chinese after b. Had Joe studied Chinese after
c. Had Joe studied Chinese before d. Have Joe studied Chinese before
9. The football game had already started when we----- there.
a. arrived b. had arrived c. were arrived d. had been arriving
10. He hadn't left the shop until I ----- him to do so.
a. will ask b. had asked c. asked d. were asking
11. It was my first time in an airplane. I was very nervous because I ----- before.
a. had just b. had just flown c. had never flew d. had never flown
12. When we arrived at the party, most of the guests----- home.
a. had already gone b. would have gone c. had never gone d. will go
13. When we got to the stadium, we found that the game-----.
a. had been cancelled b. has been cancelled c. had cancelled d. would cancel
14. We had just eaten two sandwiches when David----- the bell.
a. ring b. has rung c. rang d. have rung
15. I hadn't ever been to any of Asian countries before I ----- to china.
a. travelling b. was going to travel c. has traveled d. traveled
16. She ----- worried because she had failed the test.
a. was looking b. looked c. has looked d. looks
17. We ----- TV after we had lunch.
a. watched b. will watch c. watch d. has watched
18. While he----- a newspaper, his dog was lying beside him.
a. read b. was reading c. had read d. has read

19. Sara was very tired because she ----- all her homework.
 a. did b. does c. had done d. would do
20. My sister----- the room before the guests arrived.
 a. will clean b. has cleaned c. had cleaned d. would clean
21. I ----- a game of tennis with Mike when Mary-----.
 a. finished-had arrived b. have finished-arrived
 c. finished-has arrived d. had finished-arrived
22. They ----- English very well. They ----- English for many years now.
 a. speak-speak b. had spoken-spoke c. speak-have spoken d. speak-had spoken
23. I was surprised because he----- never----- the apartment before.
 a. have-cleaned b. had-cleaned c. would-clean d. was cleaning
24. This is the second time I ----- in such a hard situation because of your mistakes.
 a. am b. were c. was d. have been
25. It hasn't rained here----- last month.
 a. for b. after c. since d. from
26. I ----- in that restaurant yet, but I'm going to eat there soon.
 a. don't eat b. didn't eat c. hadn't eat d. haven't eaten
27. The house was very quiet when I got home. Everybody ----- to bed.
 a. will go b. had gone c. was going d. has gone
28. The plane ----- the airport when we got there.
 a. has left b. has been leaving c. will leave d. had left
29. They were upset because I ----- to see them before they left the city.
 a. do not go b. had not gone c. would not go d. have not gone
30. As soon as she came in, I knew I ----- her before.
 a. saw b. have seen c. would see d. had seen
31. The man sitting next to me on the plane was very afraid because he-----never-----before.
 a. has-flown b. had-flown c. would-fly d. will-fly
32. My grades are good because I ----- careful.
 a. will study b. had studied c. have studied d. are studying
33. We arrived at work in the morning and found that sb ----- the window during the night.
 a. had broken b. has broken c. was breaking d. would break
34. Only after posting the letter did I remember that I ----- to put on a stamp.
 a. have forgotten b. will forget c. would forget d. had forgotten
35. When she had read all the greeting cards, she----- a short thank-you speech.
 a. has made b. made c. was making d. had made
36. When I entered the garden, I noticed that it was completely dry. I think the owner ----- it for weeks.
 a. was not watering b. won't water c. hasn't watered d. hadn't watered
37. The teacher thought the lesson----- reviewed before.
 a. has b. had c. has been d. had been

Grammar Tests (Lesson3 - Vision3)

"تستهای مربوط به کاربردهای افعال ناقص"

1. Mina ----- answer the letter last week.
a. have to b. has to c. must d. had to
2. He didn't have a bicycle. He ----- walk to school.
a. can b. had to c. must d. should
3. Reza couldn't ----- English 3 years ago.
a. learn b. to learn c. learns d. learned
4. He must----- on that chair.
a. sits b. sitting c. sit d. to sit
5. I was sick, I ----- to see the doctor last night.
a. had b. could c. would d. have
6. He ----- the English alphabet when he was 8 years old.
a. should read b. could be read c. could read d. shouldn't read
7. Some useful information on how to use this dictionary ----- at the beginning of the book.
a. can find b. must found c. must find d. can be found
8. You may even find wide ranges of poor people in the US that ----- their basic needs.
a. cannot be met b. must not meet c. cannot meet d. must not be met
9. Traffic rules and regulations about how to drive safely ----- by drivers to reduce the number of accidents.
a. can be obeyed b. might be obeyed c. must be obeyed d. will be obeyed
10. Tom is 16 years old and a fast runner who ----- 200 meters in 22 seconds.
a. can run b. must run c. can be run d. must be run
11. He will be having lessons for another two hours, so we ----- him now.
a. may be visited b. can be visited
c. should visit d. must not be visited
12. English language ----- better in different countries if language learners are exposed to great deal of authentic language.
a. must be learned b. can learn c. must learn d. can be learned
13. Lots of trees----- regularly to make building by local people illegally.
a. may cut b. are being cut c. must be cut d. are cutting
14. Thank you for calling Zee Company, how ----- I help you?
a. should b. may c. must be d. can be
15. The bill ----- on time, or we won't have light next month.
a. can be paid b. must be paid c. may be paid d. should pay
16. Some milk ----- for the night because we don't have enough milk in the fridge.
a. should be bought b. must buy c. may buy d. can be bought
17. You really ----- TV too much because it may have harmful effects on your vision.
a. can not watch b. may not watch
c. should not watch d. must be watched

18. You don't need to be worry because I have got plenty of time and I----- as long as you are ready to go.
 a. must wait b. may wait c. should be waited d. can wait
19. The window ----- because lots of dust enters the room every time, we open it.
 a. should close b. must be closed c. may be closed d. can close
20. A: "Where are you going to go on your vacation next summer?"
 B: "I am not completely sure. I ----- to Spain or England."
 a. should go b. must go c. may go d. can be gone
21. I believe that this quarrel----- an end to before something serious happens.
 a. can be put b. must be put c. may be put d. should put
22. Children ----- vaccinated against the major childhood diseases that are seriously dangerous.
 a. may be b. should be c. can d. must have
23. Do you think that less money----- on buying books or fast-food?
 a. can be spent b. must spend c. may have spent d. should be spent
24. The huge consumption of fossil fuels----- visible damage to the environment in various forms in the near future.
 a. can be caused b. must be caused c. may cause d. had to be caused
25. Some low-price stuff----- from the downtown mall because they offer high discount.
 a. must buy b. can be bought c. should buy d. might buy
26. Recently an experiment----- on bacteria to discover the probable role of harmful bacteria in causing some diseases.
 a. has done b. can do c. has been done d. may do
27. At least 200 jobs ----- if the company stops working.
 a. may be lost b. may lose c. will lose d. must been lost
28. We have come to this conclusion that no decision----- until the next meeting.
 a. can make b. was being c. will be made d. is making

Notes:

Grammar Tests (Lesson3 - Vision3)

تستهای مربوط به کاربردهای افعال ناقص (زبان تخصصی)

- The man does not know the ABC of driving; I wonder why he ----- to take the car.
a. could allow b. must have allowed c. should be allowed d. might have allowed
- You have to prepare yourself for the interview in which you----- a number of unexpected questions.
a. must have asked b. may be asked c. have to be asked d. should have asked
- It is not enough to do the task; what is more important is that it----- as carefully as possible.
a. maybe done b. might have done c. must have done d. should be done
- The plant is dead. You----- it more water.
a. could give b. should gave c. must be given d. should have given
- You----- my grandmother, she died before you were born.
a. couldn't meet b. couldn't have met c. shouldn't meet d. shouldn't have met
- I knocked at the door, but nobody answered. They----- out.
a. might have gone b. should have gone c. should go d. must go
- Reza doesn't feel sleepy today. He----- very well last night.
a. must have slept b. should have slept c. would have slept d. could have slept
- I sent a telegram to my uncle a few days ago. He----- it by now.
a. could have received b. must have received
c. should have received d. would have received
- The host was rich and----- more and better food for the guests, but he didn't.
a. could prepare b. must have prepared c. must prepare d. could have prepared
- What a beautiful painting! It----- by a famous painter.
a. must have painted b. should have been painted
c. must have been painted d. should have painted
- In the morning the streets were wet. There----- a heavy rain during the night.
a. would have been b. must have been c. should have been d. could have been
- I can't find my bag anywhere. You----- in the shop.
a. could leave b. should have left c. would leave d. might have left
- My shirts are nice and clean. My mother----- and pressed them.
a. should wash b. must have washed c. must wash d. should have washed
- A: The luggage was too heavy. I almost died.
B: You----- a telephone taxi. There are plenty of them.
a. could taken b. must have taken c. must take d. could have taken
- A: The police stopped the taxi driver. B: He ----- while the traffic light was red.
a. should have stopped b. must have stopped
c. could have stopped d. may have stopped
- Fatima caught a bad cold last night. She----- in the rain for a long time.
a. must stay b. must have stayed c. should stay d. would have stayed

17. James did not know about the trip. He----- informed about it earlier.
a. should be b. should have been c. must be d. might have been
18. A: Where is that cold air coming from? B: Someone----- the door open.
a. must leave b. must have left c. should leave d. should have left
19. A: Do you know where Ali left the car keys?
 B: He----- them on the table; I am not sure.
a. must have left b. should have left c. might have left d. would have left
20. Ali had failed in the exam. He----- harder last semester.
a. must study b. must have studied c. should study d. should have studied
21. Steve didn't go to work in his car. His car----- broken down.
a. must have b. would have c. should have d. could have
22. A: I saw Henry at the library yesterday. B: you----- He went abroad last week.
a. will have b. shouldn't have c. could have d. couldn't have
23. She is afraid of going into the yard. She ----- have seen a cat.
a. could b. might c. shouldn't d. should
24. A: "Why is he still at home?" B: "He ----- have gone to school by now."
a. might b. should c. must d. could
25. In the morning the light was still on. She ----- have forgotten to turn it off.
a. should b. might c. could d. would
26. You've caught a bad cold. You ----- have gone out without warm clothes.
a. might b. shouldn't c. couldn't d. should
27. Mary knew everything about our decision. She ----- to our conversation.
a. must listen b. must have listened c. might listen d. should have listened
28. A: "They wanted James to translate the text from Chinese to English."
 B: "He ----- it because he doesn't know any Chinese."
a. shouldn't have translated b. should translate
c. couldn't have translated d. could translate
29. He didn't give a reply to my letter. I ----- to write the address on the envelope.
a. could have forgot b. should forget c. might have forgot d. might forget
30. "Why did you stay at a hotel?" "You ----- with us."
a. must have stayed b. could stay c. could have stayed d. should stay
31. Why didn't you let her buy what she wanted? You ----- her like a child yesterday.
a. shouldn't treat b. shouldn't have treated
c. mustn't treat d. might not have treated
32. A: "All the cake has been eaten." B: "Ali ----- it. He is in Tehran."
a. could have eaten b. should have eaten c. couldn't have eaten d. shouldn't have eaten
33. The little boy's eyes are red and watery. He ----- have cried a lot.
a. should b. must c. could d. shouldn't
34. He failed all his exams. He ----- have studied much harder.
a. could b. should c. must d. might
35. Let's take an umbrella; it ----- when we get out of the theater.
a. could have rained b. may rain c. might have rained d. should rain

Answer Key

پاسخنامه کلیدی

Vocabulary Tests

(تست واژگان درس سوم)

1	A	11	C	21	D	31	C	41	B	51	D	61	B	71		81	D	91	B
2	D	12	C	22	B	32	A	42	B	52	C	62	B	72	D	82	B	92	B
3	C	13	C	23	B	33	B	43	B	53	C	63	B	73	C	83	B	93	C
4	A	14	A	24	B	34	A	44	C	54	C	64	B	74	A	84	D	94	B
5	A	15	A	25	B	35	A	45	C	55	A	65	B	75	A	85	C	95	C
6	A	16	A	26	A	36	A	46	C	56	A	66	D	76	A	86	B	96	C
7	A	17	D	27	A	37	A	47	B	57	A	67	D	77	D	87	C	97	C
8	A	18	D	28	A	38	C	48	B	58	B	68	A	78	A	88	C	98	D
9	C	19	D	29	A	39	A	49	B	59	B	69	A	79	C	89	B	99	B
10	C	20	D	30	C	40	A	50	D	60	B	70	B	80	B	90	A	100	A

Grammar Tests (Passive & Active Sentences)

تستهای معلوم و مجهول

1	C	6	D	11	D	16	D	21	D	26	B	31	A
2	D	7	D	12	A	17	A	22	D	27	B	32	A
3	C	8	D	13	C	18	C	23	A	28	A	33	A
4	A	9	C	14	A	19	B	24	B	29	B	34	A
5	D	10	C	15	B	20	B	25	B	30	C	35	A

Grammar Tests (Past Perfect Tense)

1	C	6	D	11	D	16	B	21	D	26	D	31	B	36	D	41	C
2	C	7	C	12	A	17	A	22	C	27	B	32	C	37	D	42	C
3	B	8	C	13	A	18	B	23	B	28	D	33	A	38	A	43	C
4	D	9	A	14	C	19	C	24	D	29	B	34	D	39	C	44	C
5	C	10	C	15	D	20	C	25	C	30	D	35	B	40	D	45	

Grammar Tests (Modals 1)

1	D	6	C	11	C	16	A	21	B	26	C
2	B	7	D	12	D	17	C	22	B	27	A
3	A	8	C	13	B	18	D	23	D	28	C
4	C	9	C	14	B	19	B	24	C	29	
5	A	10	A	15	B	20	C	25	B	30	

Grammar Tests (Modals 2)

1	C	6	A	11	B	16	B	21	A	26	B	31	B
2	B	7	A	12	D	17	B	22	D	27	B	32	C
3	D	8	B	13	B	18	B	23	B	28	C	33	B
4	D	9	D	14	D	19	C	24	B	29	C	34	B
5	B	10	B	15	A	20	D	25	B	30	C	35	B

ترجمه تستهای واژگان درس سوم:

- ۱- (a) پس از اتمام خواندن رمان، کتاب را به درستی در قفسه سر جای خودش گذاشتم.
- ۲- (d) در فرایند طبیعی، نیتروژن به نیترات در خاک تبدیل می شود که گیاهان می توانند از آن استفاده کنند.
- ۳- (c) با افزایش تعداد جمعیت، نیروگاه ها باید سوخت های فسیلی بیشتری برای تولید برق مصرف کنند.
- ۴- (a) آن ها اندازه و هزینه بسیاری از محصولات الکترونیکی را به میزان قابل توجهی کاهش داده اند، درحالی که در همان زمان قدرت و کیفیت آن ها را افزایش دادند.
- ۵- (a) من چین را به عنوان بخشی لازم از یک اقتصاد جهانی جدید رو به رشد می بینم.
- ۶- (a) این کنسرت اعانه ای بود برای جمع آوری پول برای یک پسر جوان که مجبور بود یک عمل جراحی گران قیمت داشته باشد.
- ۷- (a) دوست من معتقد است که خوردن مواد غذایی ارگانیک (طبیعی) احتمال ابتلا به انواع خاصی از سرطان را کاهش می دهد.
- ۸- (a) این مقاله به شما می آموزد که چگونه می توانید به طور دائم وزن خود را با کم کردن کربوهیدرات ها کاهش دهید.
- ۹- (c) بعضی از خاطرات نویسندگان، شما را علاقمند (دلبرسته) به آن ها می کند که آرزو می کنید آن ها را شخصاً می شناختید.
- ۱۰- (c) اقتصاد بازار به معنای همکاری صلح آمیز و تبادل صلح آمیز کالا و خدمات است.
- ۱۱- (c) نتایج این سه آزمایش اشاره می کند که راه های زیادی برای تغذیه اسب های جوان در حال رشد وجود دارد.
- ۱۲- (c) قراردادهای برای ۴ سال بسته می شوند و برای یک دوره ۴ ساله اضافی قابل تمدید خواهند بود.
- ۱۳- (c) هفته گذشته ماهواره ای به وزن ۱۲ تن با موفقیت در مدار قرار داده شد.
- ۱۴- (a) سازندگان خودرو ادعا می کنند که اتومبیل های هیبریدی کمتر از ۵۰ درصد نسبت به سایر خودرو های مشابه سوخت مصرف می کنند.
- ۱۵- (a) دانشمندان به دنبال سوختی هستند که انرژی را بدون آلوده کردن هوا تولید کند.
- ۱۶- (a) توربین های بادی برای تولید برق برای جامعه محلی استفاده می شوند.
- ۱۷- (d) محققان به دنبال راه هایی برای تولید انرژی با استفاده از عمل جزر و مد اقیانوس هستند.
- ۱۸- (d) ماهی یک منبع کلیدی روغن امگا ۳ است که به ویژه برای قلب مفید است.
- ۱۹- (d) ما می توانیم با کاهش مصرف انرژی مان و تبدیل آن به منابع تجدید پذیر شروع کنیم.
- ۲۰- (d) اگر برای آمادگی جسمانی جدی هستید، باید هله و هولۀ کمتر و سبزیجات بیشتری مصرف کنید تا بدن شما بتواند شکل بگیرد.
- ۲۱- (d) ما دائماً در مورد خطرات هشدار می دهیم، اما در پایان روز به والدین بستگی دارد تا از ایمنی فرزندانمان مطمئن شوند.
- ۲۲- (b) شما ممکن است گوشت گوسفند یا گاو را دوست داشته باشید، اما پی خواهید برد که یک وعده غذایی با سبزیجات برای هضم آسان تر است.
- ۲۳- (b) او برای نجات بینایی چشمانش به یک عمل جراحی فوری نیاز دارد، برای اینکه به علت یک تصادف وحشتناک در حال کور شدن است.
- ۲۴- (b) از آنجا که آن ها عمدتاً مسلمان هستند، مصری ها نوشیدنی های الکلی مصرف نمی کنند.
- ۲۵- (b) هنگامی که شما در شب در حال دوچرخه سواری هستید، باید چیزی به رنگ روشن بپوشید تا بتوانید بیشتر قابل مشاهده باشید.
- ۲۶- (a) خانواده اش متقاعد شده اند که مواد مخدر باعث افسردگی بود که منجر به مرگ وی شد.
- ۲۷- (a) خواهر کوچک من بعد از ۱۲ سال به خانه می آید و گفته است که در طول سفرش هیچ جا خانه آدم نمی شود.
- ۲۸- (a) این نتیجه گیری منطقی به نظر می رسد که رفتار مردم تحت تأثیر آنچه که در تلویزیون می بینند قرار دارد.
- ۲۹- (a) تصمیم گیری می تواند بر اساس قیمت، تاریخ تحویل، خدمات پس از فروش یا هر متغیر دیگر اتخاذ شود.
- ۳۰- (c) اولین تحلیل بر اساس همه ۴۳۴ بیمار صورت گرفت ، درحالی که تعداد بیماران بعد از دو ماه به کمتر از ۲۰۰ نفر کاهش یافت.
- ۳۱- (c) به صدها هزار نفر دستور داده شده که در داخل خانه بمانند و تعدادی از مردم در حال رنج بردن از بیماری رادیاواکتیو هستند.
- ۳۲- (a) تد می داند که او هیچ مشکلی در صحبت کردن در جمع (مکان عمومی) نخواهد داشت اگر او تنها بر ترسش غلبه کند به جای اینکه از آن فرار کند.
- ۳۳- (b) بیلی یک دانشجوی نمونه برای معلمانش بود زیرا او به طور فعال در کلاس شرکت کرده و از تمام قوانین اطاعت می کرد.

- ۳۴- (a) اخیراً یک متخصص خاطر نشان کرد که جهان به تدریج به سمت سوخت های پاک تر از چوب به زغال سنگ، از زغال سنگ به نفت و از نفت به گاز طبیعی در حال حرکت است.
- ۳۵- (a) این میوه همچنین یک بخش مهمی از بسیاری از داروهای سنتی چین است.
- ۳۶- (a) هدف از توربین بخار تبدیل گرمای موجود در بخار به انرژی مکانیکی است.
- ۳۷- (a) معلم احتمالاً نتیجه می گیرد که من به سخنرانی او گوش نمی دهم، زیرا من چشم هایم را بسته ام.
- ۳۸- (c) برخی از نوزادان قادر به هضم لاکتوز قند نیستند که در فرمول های شیر گاو وجود دارد.
- ۳۹- (a) پانل های خورشیدی، توربین های بادی و برق آبی، منابع جایگزین انرژی تجدید پذیر برق هستند.
- ۴۰- (a) هنگامی که او شنید پسرانش از یکدیگر عذر خواهی کردند، مادر خوشحال بود که آن ها می دانستند چگونه اختلاف نظر را حل کنند.
- ۴۱- (b) من همیشه عذر خواهی می کنم اگر به احساسات شخصی آسیب برسانم و راهی پیدا می کنم تا نشان بدهم که متأسفم.
- ۴۲- (b) بسیاری از رودخانه ها خیلی آلوده شده اند طوری که دیگر نمی توانند برای آب آشامیدنی استفاده شوند.
- ۴۳- (b) ۲۵ درصد از جمعیت جهان، ۸۰ درصد از منابع این سیاره را مصرف می کنند.
- ۴۴- (c) تشعشع (اشعه) بمب از طریق هوا پخش شد و هزاران نفر کشته شدند.
- ۴۵- (c) او در برخورد با این نوع مشکلات، تجربه کاربردی (مفید) زیادی دارد.
- ۴۶- (c) دانش آموزان نباید خارج از حاشیه بنویسند بلکه در عوض (باید) داخل خطوط بمانند.
- ۴۷- (b) یک ربات باید از دستورات داده شده توسط انسان اطاعت کند، مگر آن که دستورات با قانون اول در تضاد باشند.
- ۴۸- (b) تکنولوژی و توانایی ما برای همکاری در جوامع به ما اجازه می دهد تا بر بسیاری از چیزهایی که سایر پستانداران را می کشند، غلبه کنیم.
- ۴۹- (b) قطع کردن نیروی پلیس، وقتی جنایت در شهر ما زیاد است، یک ایده مفید (کاربردی) نیست.
- ۵۰- (d) سنگ های این ساحل مرا به یاد آن روزهای تابستان وقتی که لورا و من در شن تا شب هنگام بازی می کردیم، می اندازد.
- ۵۱- (d) امید ما این است که ما به طور فزاینده ای نقش بزرگ تری را در بازار بازی کنیم و به همین دلیل، مشاغل بیشتری را عرضه خواهیم کرد.
- ۵۲- (c) علاوه بر آموزش مهارت های آکادمیک پایه، ما انواع زیادی از فعالیت ها را برای دانش آموزان ارائه (عرضه) می کنیم.
- ۵۳- (c) زباله را روی زمین نریزد. آب را هدر ندهید. هنگام نوشتن از هر دو طرف کاغذ استفاده کنید. از کیسه های پلاستیکی برای خرید استفاده نکنید.
- ۵۴- (c) توجه داشته باشید که شما باید این برنامه را در یک محیط نسبتاً بدون سر و صدا اجرا کنید، بنابراین هدفون های خود را وصل کنید و مطمئن شوید که درایو سی دی شما پایین کشیده شده است.
- ۵۵- (a) به دلیل ناتوانی اش در یادگیری، دانش آموز زمان دشواری را صرف حل مسائل ضرب در ذهن خود کرده بود.
- ۵۶- (a) نتایج نشان داد که کوکی ها برای هضم بسیار مفید هستند، به طوری که نوزادان عموماً می توانند آن ها را بدون مشکلی بخورند.
- ۵۷- (a) طبق گفته وزارت انرژی ایالات متحده، خانوارهای متوسط بیش از ۴۰ درصد کل بودجه انرژی سالانه خود را صرف هزینه های گرمایش و خنک کننده می کنند.
- ۵۸- (b) از آن جا که پدرم یک مصرف کننده قهار الکل است، احتمالاً آسیب زیادی (قابل توجه ای) به کبدش وارد کرده است.
- ۵۹- (b) این صفحه نمایش به طور مداوم به روز شده است به طوری که اطلاعات نشان داده شده بر روی صفحه نمایش تا حد ممکن دقیق است
- ۶۰- (b) تنها بخش ساندریچ که من دوست ندارم گوجه فرنگی است، اما بوقلمون، کاهو و سس مایونز خوب هستند.
- ۶۱- (b) حدود ۱۳۰۰۰ انواع گل رز قابل شناسایی در سراسر جهان وجود دارد.
- ۶۲- (b) هنگام برنامه ریزی وعده های غذایی، شما نیاز دارید به اندازه ارزش غذایی به نوع (گوناگونی) و طعم فکر کنید.
- ۶۳- (b) اتاق های خانوادگی (خانه) دارای یک فضای خواب جداگانه برای کودکان با دستگاه تلویزیون در انتهای هر دو تخت هستند، در نتیجه از بحث و جدل درباره تماشای برنامه های مختلف (متمایز) جلوگیری می کند.
- ۶۴- (b) طی شش دهه گذشته، در اینکه ما چگونه ارتباط برقرار میکنیم، چندین نوآوری تکنولوژیکی تغییر کرده است، برای مثال اینترنت و گوش های هوشمند.
- ۶۵- (b) هنر های الکتریکی یک نسخه ویژه از اسکرابل را برای آی گوگل توسعه داد و ابزار آن پی آر به شما اجازه می دهد که داستان های خبری را با دوستان خود به اشتراک بگذارند.
- ۶۶- (d) در حالی که اغلب فوتبال اروپایی با فوتبال آمریکایی اشتباه گرفته می شود، این دو ورزش مشابه هم نیستند.

- ۶۷- (d) مادر من بعضی از تکنیک های آرامش را برای کمک به او برای مقابله (کنار آمدن) با دردی که در اثر سرطان می کشد، انجام داد.
- ۶۸- (a) یک مزیت آموزشی بالقوه در این که اجازه دهیم تصاویر داستان بگویند، به جای گفته شدن کلمه وجود دارد.
- ۶۹- (a) عموماً برای والدین تحلیل کردن اطلاعات درباره چندین مشکل اصلی راجع به کودکشان در یک زمان به طور کلی مشکل است.
- ۷۰- (b) با وجود این، آن ها دائماً در مورد راه های افزایش آگاهی و درک مشکلات خود بحث می کنند.
- ۷۱- در بعد از ظهر ۸ مه، سال ۲۰۰۵، هوجینتاو، رئیس جمهور چین، در هتلی که اقامت داشت با همتای ترکمن خود، صفرمراد نیازوف ملاقات کرد.
- ۷۲- (d)
- ۷۳- (c) این شرکت کارکنان خود را با تصمیم خود برای کاهش دادن تعداد ساعات کاری به طور نیمه وقت خشمگین کرده است.
- ۷۴- (a) در بیشتر اوقات، بریتانیا نقش مهمی در سازماندهی منابع جهانی قدرت، حتی در خاورمیانه ایفا می کرد.
- ۷۵- (a) ما، منظورم ریچل و من است، زوج واقعاً خوشبختی هستیم، اگرچه در مسایلی مانند سیاست و دین دیدگاه هایی متضاد داریم.
- ۷۶- (a) در آب و هوای سرد، خانه ها نیاز به دیوار هایی دارند که گرما را جذب کنند.
- ۷۷- (d) لطفاً در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر، با این شماره تماس بگیرید.
- ۷۸- (a) ابتدا او را دوست نداشتم، اما در نهایت واقعاً به او علاقه مند (دلپسته) شدم.
- ۷۹- (c) نقش پلیس این است که اطمینان حاصل شود که قانون مورد احترام (اطاعت) قرار گرفته است.
- ۸۰- (b) در فواصل کوتاهی شما می توانید انگلیسی کامل (بی نقص) صحبت کنید.
- ۸۱- (d) او پس از غیبت طولانی از فوتبال بین المللی، به تیم انگلیس بازگشت.
- ۸۲- (b) مزرعه باد ممکن است قادر به تولید برق کافی برای ۲۰۰۰ خانه باشد.
- ۸۳- (b) هنگامی که یک مشتری جدید را دیدید، مهم است که احساس خوبی داشته باشید.
- ۸۴- (d) بخش هنری و بخش موسیقی در دو ساختمان جداگانه قرار دارند.
- ۸۵- (c) ارتباط خوب، یک جزء مهم هر رابطه است.
- ۸۶- (b) او مراقب بود که (توسط پلیس) دیده نشود به خاطر این که وقتی چراغ قرمز بود از قوانین ترافیک پیروی نکرده بود.
- ۸۷- (c) پزشکان توصیه می کنند که بعد از وعده های غذایی خود نشسته و اجازه دهید که آن، به آرامی هضم شود.
- ۸۸- (c) من از امتحان انشای انگلیسی خودم می ترسم و مطمئن هستم که آن را پاس نمی کنم.
- ۸۹- (b) او دو ساعت راه رفته بود، پس کفش هایش را برای خنک کردن پاهای عرق کرده اش در آورد.
- ۹۰- (a) او یک پزشک متخصص است که به مردم فقیر کمک می کند و در جامعه محلی، شناخته شده است.
- ۹۱- (b) چراغ قوه را به سمت اتاق تاریک تاباندم و پرتوی قدرتمندی از نور بیرون داد.
- ۹۲- (b) چون من برادرزاده محبوبم را دوس دارم، همیشه سعی میکنم چند شکلات برای او نگه دارم.
- ۹۳- (c) ماری در ابتدا جک را دوست نداشت، اما در نهایت واقعا به او علاقمند شد.
- ۹۴- (b) یک ضرب المثل می گوید، از تو حرکت از خدا برکت.
- ۹۵- (c) شما مرا ناراحت کرده اید و من هیچ چاره ای جز این ندارم که از شما بخواهم اینجا را ترک کنی.
- ۹۶- (c) همه دانش آموزان وقتی زنگ خورد برای استراحت کردن با خوشحالی به سمت حیاط دویدند.
- ۹۷- (c) دوره انگلیسی دارای چهار بخش اصلی است: مهارت خواندن، صحبت کردن، گوش دادن و نوشتن.
- ۹۸- (d) ما باید به استفاده از سوخت های فسیلی تا پیدا کردن منابع پاکتر انرژی ادامه دهیم.
- ۹۹- (b) رضا بیمار است و دکتر به او سفارش کرده است که مقدار چربی موجود در غذایی را کاهش دهد.
- ۱۰۰- (a) او فقیر نیست؛ او در واقع پول بیشتری از آن چه برای حمایت از یک خانواده نیاز باشد دارد.